

بدن‌بینی^۱: کاربرد رویکرد گفتمان تاریخی رُوث وُداک در تحلیل مستند «دماغ به سبک ایرانی»

آرش حسن‌پور، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، ایران*
علی ربانی خوراسگانی، دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ایران

بدن فرد، بازنما و بازتولیدکننده بدن جامعه است.

(بوردو، ۱۹۹۵: ۴۲)

چکیده

در فرهنگ مصرفی کنونی مقوله بدن و بدن‌پنداری، رکن اساسی هویت شخصی شده است؛ در نتیجه در سال‌های اخیر انواع مختلفی از جراحی زیبایی در جامعه ایرانی متداول شده که بالاترین میزان مراجعات زیبایی، متعلق به جراحی بینی است. در این مقاله با تأکید بر اهمیت بدن و تمایل روزافزون به جراحی زیبایی بینی در جامعه ایرانی و اشاره به تحولات گفتمانی بدن در ایران، تلاش شده است با الهام از نظریه باومن و باتلر در حوزه جنسیت، روش تحلیل گفتمان انتقادی و رویکرد تاریخی وُداک، مستند اجتماعی «دماغ به سبک ایرانی» توصیف، تفسیر و معناکوی شود. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد در مستند مذکور، نهادهایی مانند تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)، دین، پزشکی و هنر، موقعیت سخن‌گویی و موضع‌گیری پیرامون بدن و جراحی زیبایی دارند. فیلم مستند همچنین تنازعی گفتمانی-ارزشی بین گفتمان مدرسه و پزشکی به‌عنوان تأییدگران و مشروعیت‌دهندگان این کردار گفتمانی (جراحی زیبایی) و گفتمان دین و هنر به‌عنوان نکوهش‌گران این کردار است و در این میان مبادرت‌کنندگان نیز در دیالکتیک‌هایی همچون اطمینان-تردید، تشویش-لذت و خوشایندی و فردیت قرار می‌گیرند. تحلیل گفتمان مستند مذکور همچنین نشان می‌دهد هیچ‌یک از گفتمان‌های مذکور، موقعیت برتر و فرادست را پیرامون جراحی زیبایی و تصاحب فضای گفتمانی آن ندرند و به همین دلیل نمی‌توانند یکسره هژمونیک شوند و بر ساحت مذکور تفوق پیدا کنند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت بدن، جراحی زیبایی، تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد تاریخی وُداک، مستند «دماغ به سبک ایرانی»، تنازعات گفتمانی

^۱ این پژوهش در سنت تفسیری انتقادی و روش تحقیق کیفی معنا پیدا می‌کند. از همین رو به تأسی از این سنت روش‌شناختی، محقق بخشی از فرایند تحقیق است و همچنین مضمون‌سازی و جعل و برساخت مفاهیم و تم‌ها در این گونه پژوهش‌ها اهمیت می‌یابد. انتخاب عنوان «بدن‌بینی» هم برساخت ذهنی پژوهشگران است که از سویی به دو گانه بدن و بینی اشاره دارد و از سویی دیگر واجد معنای ضمنی تامل پیرامون بدن انسانی است.

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۱۱۰۶۳۳۹

Email: arash.hasanpour@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

انسان موجودی است که کالبدی جسمانی دارد و بدن مادی، سازه‌ای است که در آن تفاوت‌های جنسیتی، نژادی، قومی و طبقاتی شکل می‌گیرد و خود را متجلی می‌کند. از همین‌رو توجه به بدن و رواج آن در متون جامعه‌شناسی دو دهه اخیر، مباحث گسترده‌ای را حول موضوعاتی نظیر هویت، جنبش‌های اجتماعی، فرهنگ مصرفی، سبک زندگی و اخلاق برانگیخته است (ذکایی، ۱۳۸۶). همچنین رشد فناوری‌های تغذیه، سلامت و ورزش در کنار اهمیت یافتن عاملیت، جوانی، فردیت یافتن بدن، بدن محوری فرهنگ مصرفی^۱، بدن و بدن‌شدن را به موضوعی محوری در مطالعات اجتماعی و فرهنگی جامعه معاصر بدل کرده است (Shilling, 2003؛ ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

یکی از مسائل مطرح‌شده در ارتباط با شاخص‌های سبک زندگی، مقوله مدیریت بدن است که امروزه در بین جوانان عمومیت یافته است. مدیریت بدن با اعمال و کردارهایی مثل پوشش ظاهری، آرایش بدن، نوع سلیقه‌های ورزشی و رژیم‌های غذایی بیان می‌شود. گفتنی است یکی از مؤلفه‌های شاخص مدیریت بدن را در چارچوب جراحی‌های زیبایی و راهکارهای تغییر و دخل و تصرف در بدن می‌توان جستجو و پیگیری کرد. آمارها در مقیاس جهانی در حوزه جراحی زیبایی نشان می‌دهد در ۱۵ سال گذشته شمار متقاضیان عمل‌های جراحی زیبایی، ۷۰ درصد رشد داشته است. به اعتقاد تحلیل‌گران و به استناد برخی آمارها و شواهد، در سال‌های اخیر در جامعه ایران نیز توجه روزافزون به بدن شتاب چشمگیری داشته است (زائر رضایی، ۱۳۸۵) به گونه‌ای که بر اساس آمار غیررسمی، هر ساله بیش از ۳۶ هزار ایرانی زیر تیغ جراحی زیبایی صورت می‌روند. گفتنی است در میان جراحی‌های مختلف معطوف به زیبایی، کشور ایران در جایگاه بالایی قرار داشته و حداقل به لحاظ عمل زیبایی بینی، رتبه نخست را در سال ۲۰۱۰ به خود اختصاص داده است. بعد از کشور ایران نیز کشورهای نظیر امریکا، انگلستان و فرانسه قرار دارند^۲. همچنین آمارها در این زمینه نشان می‌دهد

هم‌اکنون بیش از ده هزار زن، متقاضی جراحی بینی و پلاستیک هستند (رضایی و همکاران، ۱۳۸۹)^۳ و کشور ایران، در ارتباط با جراحی بینی در رتبه اول^۴ (ایران پایتخت جراحی بینی دنیا دانسته می‌شود) و در مورد حذف چین و چروک صورت در رتبه سوم جراحی‌های معمول در دنیا قرار دارد (گلشنی، ۱۳۸۹: ۴۱).

همان‌گونه که توضیح داده شد این تأکید و تمرکز بر بدن در سطح جهانی به سطح داخلی و محلی نیز اشاعه یافته است، به گونه‌ای که خیابان‌های مناطق تهران بیشترین تابلوهای مراکز زیبایی، جراحی و لیزر را دارد. علاوه بر این، تبلیغات روزنامه‌ها و مجله‌ها نیز نشان‌دهنده اهمیت روزافزون این مقوله در زندگی روزمره ایرانیان و طبقات متوسط جدید است (احمدنیا، ۱۳۸۴)، به گونه‌ای که روزنامه اسپیکل در گزارشی با عنوان «جنون زیبایی در ایران»^۵ در مورد وضعیت جراحی زیبایی، تمایل به آرایش و مدیریت بدن در بین زنان ایرانی می‌نویسد: «زیابودن در ایران یکی از وظایف اصلی زنان است و به یک کار روزانه تبدیل شده است. خیابان‌های تهران پر است از زنان و مردانی که چسب بینی بر دماغ خود دارند. زنان ایرانی برای برنزه‌شدن تا مرز بی‌هوشی زیر آفتاب جزغاله می‌شوند و برای لاغرشدن جرعه‌جرعه سرکه سر می‌کشند». این گزارش می‌افزاید عمل زیبایی، اکنون در ایران شیک و مد روز به حساب می‌آید و زنان در ایران امکان ندارد یکدیگر را ملاقات کنند، اما از زیبایی و آخرین عمل زیبایی‌شان صحبتی به میان نیاورند.

تلقی این مطالعه از بدن، زیبایی و جذابیت، گفتمانی و تاریخی است. از این‌رو این تلقی، یادآور نظریه اکو (۱۳۹۰) است که معتقد بود آنچه زیبا به شمار می‌آید با دوره‌های

^۳ به‌طور کلی گمانه‌زنی‌ها بیش از ۹۰ درصد از مراجعه‌کنندگان برای اعمال زیبایی را زنان می‌دانند و سن آن‌ها را بین ۱۵ تا ۴۵ تخمین می‌زنند.

^۴ بر اساس آمارهای غیررسمی اعلام‌شده، سالانه بیش از ۲۰۰ هزار عمل زیبایی بینی در ایران انجام می‌شود که این رقم هفت برابر تعداد این نوع عمل در ایالات متحده امریکا است. به گزارش انجمن بین‌المللی جراحی زیبایی (ISAPS) در سال ۲۰۱۳ حدود ۱۷۵ هزار عمل جراحی و غیر جراحی زیبایی انجام گرفته است و از این نظر ایران در میان ده کشور اول دنیا است.

^۵ لینک خبر

<http://news.gooya.com/politics/archives/2009/04/086535.php>

^۱ body oriented

^۲ گزارش پایگاه تحلیلی خبری زنان و خانواده: زنان به جراحی زیبایی روی می‌آورند،

چون ... <http://www.mehrkhane.com/fa/news/5010>

چارچوب مفهومی مطالعه

چارچوب مفهومی این مطالعه و مفاهیم بنیادین آن شامل بدن، مدیریت بدن و جراحی زیبایی و تمایز آن با جراحی پلاستیک و مفهوم گفتمان می‌شود که در ادامه تعریفی از آن‌ها ارائه خواهد شد.

بدن به‌طور معمول به‌صورت مجموعه فیزیکی از گوشت و استخوان‌های ارگانیک درک می‌شود؛ اما در مطالعات فرهنگی، این مفهوم دارای سبک، اجرای نقش و تحت سیطره فرهنگ شمرده شده و به‌صورتی مداوم برای ایفای نقش یا کار بدنی در قالب رژیم‌های غذایی و تمرینات بدنی و جراحی‌های زیبایی فراخوانده می‌شود (بارکر، ۱۳۸۷: ۷۸۶). بدن همچنین تمامی کالبد رؤیت‌پذیر انسانی بدون حذف هیچ‌یک از اجزای آن است. بدن در این معنا، کلیتی به‌هم پیوسته است که شامل نظامی از رمزگان و نشانگان است (ذکایی، ۱۳۸۶: ۸۳) که در فرایند تاریخی، درون بافت اجتماعی - فرهنگی خاص خود هستی می‌یابد و به‌شدت به اجزاء و عوامل بافت سازنده خود وابسته است.

مدیریت بدن به‌عنوان یکی از شاخص‌های سبک زندگی به هر نوع نظارت و دست‌کاری مستمر ویژگی‌های ظاهری و آشکار بدن گفته می‌شود که در قالب رویه‌های آرایشی و اعمال جراحی انجام می‌پذیرد (چاووشیان و آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۶۴). تغییر و اصلاح بدن نیز به‌عنوان بخشی از مدیریت بدن، شامل گستره وسیعی از ساز و کارها و اقداماتی است که کنشگر انسانی با کمک ابزارهای گوناگون و به شیوه‌های متفاوت با دخل و تصرف و دست‌کاری در اندام‌های بدن انجام می‌دهد (ذکایی، ۱۳۸۶: ۳۷۳).

جراحی پلاستیک یا جراحی زیبایی: به تعبیر وینمان (2010: 16) جراحی‌هایی که به‌دلیل ترمیم عضو مجروح شده، ناقص شده و آسیب‌دیده به‌دلیل سوانح یا آفرینش مادرزادی انجام می‌شود، جراحی پلاستیک نامیده می‌شود. به اعتقاد هایکن^۱ (1997) نیز جراحی پلاستیک، محصول تحولات فناورانه پس از جنگ جهانی اول است که برای بهبود وضعیت جنگ‌زدگان و مجروحان پدید آمد. به دیگر سخن، هدف از جراحی ترمیمی، بازپایی ظاهر و یا متعارف‌کردن بدن پس از

تاریخی و فرهنگ‌های مختلف ارتباط دارد و زیبایی هرگز مطلق و ثابت نیست و به‌تناسب دوره تاریخی و سرزمینی خاص، جنبه‌های متفاوتی به خود گرفته است. مبتنی بر این پیش‌فرض در این مطالعه معتقدیم فرهنگ بدن را باید منطقی دانست که به کمک آن تحولات فرهنگی و روند آن‌ها را می‌توان ارزیابی کرد؛ به عبارت دیگر بدن، عرصه‌ای برای بازآفرینی فرهنگی و اجتماعی است و روشن‌کننده روابط قدرت و نحوه تأثیرگذاری آن بر تفاوت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی است (ذکایی، ۱۳۸۶). افزون بر این، هدف از طرح گفتمان‌های بدن، بررسی نقش قدرت‌های موجود و مؤثر در تعیین اجتماعی بدن به‌عنوان برساختی تاریخی و فرهنگی است (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۸۴). این گفتمان‌ها درحقیقت بازگوکننده ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی سازنده بدن بوده و در پی آن هستند که بگویند چه کسی، در چه زمانی و با چه اقتداری امکان صحبت کردن درباره بدن افراد جامعه را دارد، ذهنیت آن‌ها را شکل می‌دهند و معنا و روابط اجتماعی را در این عرصه تعیین می‌کنند. هدف همچنین نشان‌دادن تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی سیاسی و تاریخی و شناختی بر فرایند تولید گفتمان‌های بدن و آشکارکردن رابطه بدن و ایدئولوژی است. با عنایت به مطالب مذکور، در این مطالعه با توجه به اهمیت موضوع بدن به‌طور کلی و وضعیت مسأله‌گون جراحی پلاستیک و میل روزافزون به دست‌کاری بدن در کشور ایران به‌طور خاص، تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد تاریخی مستند «دماغ به سبک ایرانی» به کار رفت و تلاش شد بدین پرسش‌ها پاسخ داده شود:

- بدن به‌مثابه امری گفتمانی در این مستند چگونه مفصل‌بندی شده است و فیلم بر کدام یک از گفتمان‌ها راجع به بدن تأکید کرده و کدام را از مرکزیت عزل می‌کند؟
- به‌طور کلی جراحی زیبایی و بدن در مستند دماغ به سبک ایرانی چه بازنمایی‌ای یافته است؟
- فیلم مستند در چه گفتمان اجتماعی‌ای تولید شده و چگونه این فضای گفتمانی در فیلم بازنمایی شده است؟
- موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که باعث خلق این محصول رسانه‌ای شده، چه زمینه‌ای است؟

¹ Haiken

جای داد (اخوت، ۱۳۸۸: ۲۵). مری داگلاس^۲ انسان‌شناس انگلیسی نیز بر اساس سنت مردم‌شناسی، بدن را متنی فرهنگی (یک نشانه اجتماعی) می‌داند که ضمن انعکاس ارزش‌های فرهنگی و اشتغالات و اضطراب‌های یک فرهنگ خاص، تجلی عینی به آن می‌بخشد (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۲۲).

باومن نیز فرهنگ پست‌مدرن را فرهنگ اهمیت میل به‌جای نیاز، جستجوی حریصانه، دیوانه‌وار و بی‌پایان دستورالعمل برای زندگی، عدم قطعیت، ناپایداری، تغییرات و دگرگونی مداوم و سریع، هیجان‌های مداوم و بازتولید و ابداع خود می‌داند (Bauman, 2000:74; 2005:152). وی معتقد بود در گفتمان پسامدرن، هویت به‌عنوان امری نامتعیین، غیرقطعی، متغیر و بر‌ساخت‌شدنی است. به‌زعم باومن هویت، مستلزم فرایند آزمایش و خطا است و معیاری برای ارزیابی آنکه این فرایند متحقق‌سازی هویت رو به پیشرفت است یا نه، وجود ندارد. به اعتقاد باومن آنچه امروزه هویت عاملان را شکل می‌دهد، فرایند مداوم و غیرخطی «شکل‌دهی نفس» در قالب بدن است. بنا بر نظریه باومن، فرایند «مونتاژ نفس» انباشتی و تراکمی نیست، بلکه مبتنی بر گردآوری، اخذ ویژگی‌های جدید و دورریختن ویژگی‌های قدیم و فرایند مداوم یادگیری و فراموشی است (درباره الگوها و رویه‌ها). علاوه بر این باومن معتقد است یگانه موضعی که تداوم و آثار فعالیت‌های شکل‌دادن نفس را در آن می‌توان مشاهده کرد، جسم بشری است (وی معتقد است پلاستیکی‌شدن بدن‌های ترمیم‌شده، نمودی از سیالیت پسامدرن است). این سازه ثابت در میان هویت‌های متغیر و ناپایدار، ظرف مادی و حامل کل هویت‌های گذشته، حال و آینده است. بر همین اساس، باومن معتقد است پرورش جسم و ایجاد تغییرات در آن یکی از ابعاد محوری مونتاژ نفس در عصر پسامدرن ذیل محور اساسی «سیاست میل» است^۳ (جلایی‌پور، ۱۳۸۷: ۴۴۴-۴۳۷).

باومن (2003: 94-97) همچنین با استناد به نظریه هویت

جراحت است. گاه نیز جراحی ترمیمی برای اصلاح نقصی مادرزادی به کار می‌رود؛ اما جراحی زیبایی، جراحی با اهداف تقلید، احیاء و ارتقاء وجوه ظاهری و بصری بدن است. این جراحی دلالت و ضرورت پزشکی نداشته و صرفاً کارکرد زیباسازی دارد و در مورد کسانی مصداق پیدا می‌کند که سالم هستند (Weinmann, 2010)؛ جراحی زیبایی، برخلاف جراحی ترمیمی به دنبال به‌ترکردن اندامی است که بدون انجام جراحی هم در چارچوب‌های معمول و متعارف می‌گنجد (هیز و جونز، ۱۳۹۲). از این منظر این جراحی‌ها به اعتقاد جونز (2008) وجه انتخابی و گزینشی دارند و از این پس آنچه در این مقاله اشاره می‌شود، جراحی زیبایی و نه جراحی پلاستیک ترمیمی است.

تحولات مفهوم بدن در نظریه جامعه‌شناسی: فقدان بدن و مفهوم‌پردازی راجع به آن در جامعه‌شناسی به این دلیل بوده است که جامعه‌شناسی به‌ندرت به انسان تجسیدی^۱ به‌عنوان یک هدف اساسی توجه کرده است و بدن انسانی را در قالب مالکیت شخصی و طبیعی تلقی کرده است؛ اما از اواسط دهه ۶۰ تا اواسط دهه ۷۰ میلادی در پی تغییرات گسترده معرفتی در رشته‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی بدن به‌عنوان رویکردی بین‌رشته‌ای ظهور کرد؛ به عبارت دیگر شکل‌گیری این رشته، محصول درهم‌آمیزی گرایش‌های فکری مختلفی در علوم اجتماعی همچون فمینیسم، پست‌مدرنیسم، مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی فرهنگی و روان‌شناسی در دهه ۹۰ میلادی بوده است. وینمان (2010: 44) در این زمینه معتقد است مبحث بدن و بدن‌مندی در علوم اجتماعی در اواخر قرن بیستم مطرح و گشوده شد و بر رابطه بدن و هویت تأکید کرد که هستی‌های متقابل در روند ساخت هویت بودند. این زمینه مطالعاتی، نحوه شکل‌گیری بدن را به‌عنوان جایگاه سلامت، تندرستی، ظاهر فیزیکی و شیوه رفتار متناسب با الزامات قدرت بررسی می‌کند (آلبرو، ۱۳۸۰: ۱۶۴). جامعه‌شناسان به‌طور کلی به پیوند متقابل میان زندگی اجتماعی و بدن تأکید کرده و برای بدن انسان ابعاد گوناگونی برشمرده‌اند که همه آن‌ها را در دو مقوله بدن جسمانی و بدن اجتماعی فرهنگی می‌توان

³ Marry Douglas

^۲ باومن (2013: 115) همچنین در نگاهی انتقادی بر این اعتقاد است که محسوب کردن انتخاب آزاد در راهبرد نوین بازاریابی یا به‌طور دقیق‌تر عرضه داوطلبانه بردگی و پایدار نگاه‌داشتن تسلیم به شکل نوعی پیشرفت در آزادی و خودمختاری فرد انتخاب‌کننده، مصداقی از «فتیشیسم ذهنی» است.

² Embodied human

باتلر بر این عقیده است که ما یاد نمی‌گیریم مرد یا زن بشویم، بلکه می‌آموزیم همچون مردان یا زنان عمل کنیم. درحقیقت هویت جنسیتی، بازی یا ایفا می‌شود.^۱ باتلر معتقد است جنسیت همواره واجد معانی متعدد، متعارض و متغیر بوده و هویت جنسی، پدیده‌ای بی‌ثبات است و این مقوله، موضع کشمکش جاری اجتماعی است. باتلر معتقد است بدن به مثابه امری که همیشه چارچوب‌بندی می‌شود و با چارچوب‌بندی‌اش جان می‌گیرد، همواره در حال مادیت‌یافتن است و این فرایندی مداوم و تکراری است. به اعتقاد باتلر ما اصلاً یک‌باره تجسد نمی‌یابیم و بدن‌ها همواره در حال نوسازی است (گین، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

تحولات گفتمانی بدن در ایران

بدن از منظری گفتمانی، رسانه‌ای است که روابط قدرت و سرکوب را در خود مستقر دارد و در تعامل مستقیم و مستتر با بدن اجتماعی قرار دارد. بدین‌سان، فرهنگ بدن منظری است که به کمک آن، رابطه متقابل بین افراد و قدرت‌های موجود اجتماعی را می‌توان ارزیابی کرد. بدن در گفتمان پیشامدرن جامعه ایرانی، تابع گفتمان سنت و دین بود، به گونه‌ای که می‌توان گفت آموزه‌های دین و سنت دینی، سایه خود را بر مقولات جسمانی انداخته است (آزاد ارمکی و غراب، ۱۳۸۷: ۱۲۰) و هنجارهای دینی، پیوندی مستقیم با بسیاری از رفتارها و هیجان‌های ما برقرار کرده‌اند و این گفتمان نقشی کنترل‌کننده در بسیاری از پروژه‌های بدنی دارد. در گفتمان دینی، بدن، ودیعه الهی، مرکب روح و وسیله‌ای برای سعادت و عبادت است و خداوند مالک اصلی آن محسوب می‌شود و انسان حق مطلق بر بدن خود ندارد و هرگونه دخل و تصرف در آن که موجب آسیب و درد باشد، از دیدگاه اسلام مطرود و ممنوع است و نه تنها مجوزی برای آن صادر نشده است، بلکه احکام قطعی در مورد نهی و پرهیز وجود دارد (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۹۵)؛ اما گفتمان مدرنیته از بطن گفتمان مشروطه برخاست و تحولاتی را در ارتباط با بدن‌ها پدید آورد. در این دوران، طبقه متوسط و تحصیل‌کرده شهری، مشاغل دولتی و نبض فرهنگی جامعه را در اختیار گرفت. به‌طور کلی با

جنسی‌جودیت باتلر اشاره می‌کند که این گفتمان‌های مختلف حاکم بر فضای جامعه هستند که جنسیت افراد را شکل می‌دهند، به گونه‌ای که جنسیت افراد در نقش‌ها، رفتارها، حرکات بدن، برخوردها بروز پیدا می‌کند. وی معتقد است جنسیت را فرهنگ تعیین می‌کند و فارغ از هرگونه ماهیت طبیعی، ماهیتی تغییرپذیر، موقت و واژگون‌شونده دارد. هویت‌های جنسی نیز به همین شکل انعطاف‌پذیر، تغییردانی، ناپایدار، ناکامل و غیرنهایی و وابسته به انتخاب سوژه یا شخص هستند و ویژگی‌های طبیعی بیشتر از قبل تابع دست‌کاری و گشوده به روی انتخاب قرار گرفته است؛ بنابراین فرد انتخاب‌کننده باید در برابر آن احساس مسئولیت کند و دیگران هم او را نسبت به این انتخاب مسئول بدانند. باومن معتقد است به همین دلیل انسان دارای جنسیت، آکنده از اضطراب، نگرانی بوده و محکوم است که همواره ناقص و ناراضی بماند.^۱ باومن معتقد است عدم قطعیتی که به جان انسان دارای جنسیت در مدرنیته سیال افتاده است، فقط به‌طور موقت فروکش کردنی است. وی می‌افزاید همواره می‌توان تقصیر را به گردن انتخاب اشتباه انداخت.

باتلر (۱۹۹۳) همچنین به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان پسامدرن در فضایی فوکویی می‌گوید گفتمان‌ها، بدن‌ها را تعریف، بساخت و تولید می‌کنند و با گفتمان‌ها ما به چپستی بدن‌ها پی می‌بریم (گفتمان‌ها و تحقق بدن‌ها جدایی‌ناپذیر هستند). وی معتقد است مقوله جنس از همان آغاز هنجار است و بخشی از عمل قاعده‌بخشی است که بدن‌های تحت امر خود را تولید می‌کند. به اعتقاد باتلر، جنس برساخته‌ای ایده‌آل است که به‌شکلی منعطف و در خلال زمان تحقق پیدا می‌کند. همچنین باتلر می‌افزاید جنس و جنسیت، اجرایی هستند و از خلال اجرا شدن، برساخته می‌شوند (بارکر، ۱۳۸۷: ۵۳۴). درحقیقت درآوردن ادای هنجاری جنسیتی، پوشیدن لباس‌ها، سبک لباس پوشیدن، سنت‌های زبانی، راه رفتن همگی نوعی اجرا (یا نمایش آموخته‌شده) جنسیت هستند. به‌طور کل

^۱ به باور بوردو (۱۳۹۲) جراحی زیبایی با بالا بردن تدریجی معیارهایی که بر اساس آن، بدن و چهره زنان مطلوب شناخته می‌شود، به یکی از عوامل رنج و عذاب آن‌ها تبدیل شده است. ماهیت تبلیغات و سرمایه‌داری مصرف‌گرا این است که نمی‌گذارد انسان به آرامش برسد.

اندام‌های آسیب‌دیده و از بین رفته جانبازان و مجروحان جنگ شد. چنین وضعیتی رشد و پیشرفت در خور توجه مهندسان پزشکی و جراحان پلاستیک را در بازسازی و ترمیم اندام‌های مصدوم در پی داشت.

کشور ایران پس از رحلت امام و ریاست جمهوری هاشمی وارد دروان جدیدی شد. در این دوران، چهره شهرها دگرگون شد و دولت به‌گونه‌ای فزاینده، آینده‌ای مملو از رفاه و توسعه اقتصادی و وفور را نوید می‌داد. تحولات در دهه هفتاد به عرصه اقتصادی محدود نشد و در عرصه فرهنگی نیز تحولاتی مانند افزایش میزان دانشجویان، گشایش دانشگاه آزاد اسلامی و افزایش استفاده از رسانه‌های جمعی رخ داد. در گفتمان دهه هفتاد به‌طور کلی دال‌های دنیوی مانند ثروت در تضاد با ارزش‌ها قرار گرفت و گفتمان دنیامحوری و فردگرایی به‌تدریج زمینه بروز و نمود یافت (حسینی، ۱۳۹۲: ۸۹). به باور حسینی (۱۳۹۲: ۲۱۹) نتیجه این تحولات و دیالکتیک‌های گفتمانی، «گفتمان امیال شهری» است که دال‌های محوری آن بازسازی مفهوم زن، حاکمیت قانون، رفاه، ارزش دنیوی، زندگی تجملی، رنگ‌باختن ارزش‌های جنگ و کالایی‌شدن ارزش‌ها است. بدن در دوره پساجنگ با به‌مرکز آمدن دال‌هایی مانند برابری، مردم، آزادی و فردیت، کالبد جسمانی، خود را به‌مثابه ابزاری برای اثبات خود و هویت مطرح کرد.

اما گفتمان دهه هشتاد متأثر از دوره دوم ریاست جمهوری محمد خاتمی، افول گفتمان اصلاح‌طلبانه، ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و تغییرات تابع آن و مبارزه با فقر، فساد، تبعیض و برقراری عدالت توزیعی است. به اعتقاد حسینی (۱۳۹۲: ۲۹۵) گفتمان این دهه را «بگذار زندگی کنم» می‌توان نام نهاد. این گفتمان که با تقویت امیال شهری و کالایی‌شدن ارزش‌ها عینیت یافته، درصدد است به بازتفسیر دال‌های محوری دهه شصت مانند رزمنده و ارزش‌ها و بازتفسیر دال‌های مهم گفتمان اصلاحات مانند توسعه سیاسی دست بزند.

روش مطالعه

انقلاب مشروطه و تعاملات بیشتر با دنیای غرب، دانش جدید پزشکی به ایران رسوخ کرد و به‌تدریج مفاهیم سلامت و بیماری از مضامین معنوی و فرامادی عاری شد. در این زمانه وضع قوانین و مقررات جدید، شکل‌گیری نهادهای جدید چون مدرسه و بیمارستان، رشد طبقه متوسط و گسترش فضاها، شهری، شرایط جدید و متفاوتی را برای انضباط‌بخشی و مدیریت بدن فراهم کرد که خود محرکی برای ترویج ارزش‌های فردگرایانه به شمار می‌آمد؛ به دیگر سخن، در دوره پهلوی و پیش از انقلاب اسلامی با تغییر معیارها و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه که عموماً از فضای فرهنگی غربی جاری تأثیر می‌گرفت، ایدئال‌های جدید به تدریج جایگزین ایستارهای سنتی پیرامون بدن شد (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۳۵۳).

ایران در سال‌های پس از انقلاب شاهد سادگی مفرط بود (ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۷). درحقیقت دهه شصت در ارتباط با بدن و ظاهر، دهه سادگی و اولویت باطن و روح بر جسم بود. در این دوره متأثر از گفتار و رهبری امام خمینی و رخداد انقلاب اسلامی، دنیاگریزی، ایثار و ازخودگذشتگی به مرکز گفتمان این دهه آمد. گفتمان این دهه با دفاع از وضع موجود و تبعیت نکردن از دنیا و امیال دنیوی همراه بود که حسینی (۱۳۹۲) از آن با عنوان «گفتمان تن‌زدودگی» یاد می‌کند. در ارتباط با بدن زنانه به باور کاشی و ستوده (۱۳۹۲) جامعه انقلابی و گفتمان حاکم بر جامعه‌ای عاری از هرگونه وجوه جنسی تن زنانه بود و بر جامعه پاک تأکید داشت و زن با دال‌هایی مانند عفت، پاک‌دامنی، شرافت و اسلام پیوند می‌خورد (کاشی و ستوده، ۱۳۹۲: ۸۸). البته نتایج مطالعه صادقی و نیک‌خواه (۱۳۹۱) مبین آن است که زن در آینه کلام امام خمینی در پیوند با مقولاتی چون ارزش‌های اسلامی، انسانیت، آزادی، برابری، شجاعت، حق و حتی مشارکت در تعیین سرنوشت خود و برخلاف دو نظام معنایی سنتی و مدرن به‌عنوان سوژه‌های فعال، آگاه، انتخابگر و مسؤول شناخته شده است؛ اما حادثه جنگ تحمیلی در ارتباط با گفتمان بدن و جراحی‌های پلاستیک، نقطه عطفی به حساب می‌آمد. بدین‌صورت که واقعه جنگ باعث افزایش تقاضا برای استفاده از اندام‌های پروتز و جراحی پلاستیک برای ترمیم و اصلاح

خود را تحلیل خواهد کرد. افزون بر این، رهیافت نظری مطالعه، رهیافت جامعه‌شناسانه و مطالعات فرهنگی خواهد بود. اهمیت سنت مطالعات فرهنگی به دلیل توجه به پیوند متقابل ابعاد اجتماعی فرهنگی و جسمانی تجارب انسانی است و مطالعات فرهنگی به بدن، تأثیرات نظام‌های مختلف سیاسی و فرهنگی بر سیاست بدن، تغییرپذیری آن‌ها بر اساس هویت‌های قومی و زبانی و نژادی، سیاسی و ایدئولوژیک توجه می‌کند (ذکایی، ۱۳۸۶: ۶۵). همچنین گفتنی است پیچیدگی و گستردگی مضامینی که مطالعات فرهنگی با آن‌ها سر و کار دارد و نگاه بینارشته‌ای حاکم بر آن، جهت‌گیری روش‌شناختی آن را نیز پیچیده، متنوع، چندوجهی و متکثر می‌کند (ذکایی، ۱۳۸۶: ۷۵) و این امر با رویکرد گفتمانی انتقادی و وجه بینارشته‌ای آن قرابت پیدا می‌کند.

ولودویگ و وداک (271-280: 1997) معتقدند تحلیل گفتمان انتقادی نه یک نظریه همگون با مجموعه‌ای از ابزارهای تعریف‌شده بلکه برنامه‌ای پژوهشی با وجوه متعدد و رهیافت‌های مختلف نظری و روشی است؛ به بیان دیگر تحلیل گفتمان انتقادی به شاخه‌های مختلفی مانند نشانه‌شناسی اجتماعی، رویکرد اجتماعی-شناختی و رویکرد گفتمان تاریخی تقسیم می‌شود. این مقاله در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی بر تحلیل گفتمان تاریخی^۱ وداک تکیه دارد. روث وداک به عنوان یکی از صاحب‌نظران تحلیل انتقادی گفتمان، گفتمان را امتزاج پیچیده‌ای از کنش‌های گفتمانی می‌داند که به‌طور همزمان و پی‌درپی با هم مرتبط هستند و خود را درون و میان حوزه‌های اجتماعی کنش، ژانرها، نشانه‌ها و متون گفتاری یا نوشتاری نشان می‌دهند. به اعتقاد وداک (-11: 2001) تحلیل گفتمان در پی نشان‌دادن آن است که نهادهای اجتماعی چگونه گفتمان‌ها را می‌سازند و متقابلاً به چه شیوه‌هایی گفتمان‌ها، نهادهای اجتماعی را می‌سازند، کارکرد ایدئولوژی در نهادهای اجتماعی چگونه است و دستیابی به قدرت و حفظ آن به چه ترتیب است. تحلیل گفتمان انتقادی در رویکرد تاریخی به عنوان روشی برای تحلیل متن برخلاف تحلیل‌های فرکلاف (۱۳۸۷) زبان‌شناسانه صرفاً با عناصر نحوی تشکیل‌دهنده جمله سر و کار ندارد، بلکه فراتر از آن،

یورگنسن و فیلیپس (۱۳۸۹) گفتمان را شیوه خاصی برای سخن‌گفتن درباره جهان و فهم آن می‌دانند. شیوه‌های سخن‌گفتن درباره جهان، هویت‌ها و روابط اجتماعی به واسطه زبان، واقعیت را به شکلی خنثی بازتاب نمی‌دهند، بلکه نقشی فعال در ایجاد آن‌ها و تغییرشان دارند. از نظر این دو متفکر، تحلیل گفتمان صرفاً یکی از چند رویکرد موجود بر ساخت‌گرایی اجتماعی است؛ بنابراین پیش‌فرض‌هایی هم که در تمامی این رویکردهای مختلف مشترک هستند، در تحلیل گفتمان نیز صادق است. از مهم‌ترین این پیش‌فرض‌ها به رویکرد انتقادی به دانش بدیهی انگاشته‌شده و تاریخی و فرهنگی بودن انسان‌ها در اجتماع و گفتمانی‌دیدن کردارهای اجتماعی می‌توان اشاره کرد. درواقع تمامی این رویکردها، دانش ما به جهان خارج را بازتابی صرف از واقعیت نمی‌دانند، بلکه آن را محصول مقوله‌بندی جهان یا محصول گفتمان می‌دانند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۸). تحلیل گفتمان در پی آن است که نشان دهد چگونه افراد از زبان برای برساختن دیدگاه خود درباره جهان اجتماعی استفاده می‌کنند.

تحلیل گفتمان خود رویکردهای متفاوتی را شامل می‌شود که یکی از آن‌ها تحلیل گفتمان انتقادی است. رویکرد انتقادی رهیافتی میان‌رشته‌ای به مطالعه گفتمان است که زبان را به منزله شکلی از رویه یا کردار اجتماعی می‌بیند و توجه خود را صرف آشکارسازی شیوه سلطه اجتماعی و سیاسی می‌کند که در متن و گفتار وجود دارد (فرقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۵). در این رویکرد، صاحب‌نظران بر آن هستند که در تحلیل متن‌ها افزون بر جنبه‌های صوری و واژگانی، عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نقش دارند. درواقع پیروان این رویکرد آنجا که متون تحلیلی را بررسی می‌کنند، آن متون را سرشار از اظهارات فراواقع می‌دانند که حقیقت در پس آن‌ها نهفته است و این متن گفتمانی است که با بازتاب نظام‌های رفتاری و اجتماعی، سندی تاریخی به شمار می‌آید (قبادی، ۱۳۸۸)؛ بنابراین گفتمان سعی در متقاعدسازی با راهکارهایی ویژه دارد که تحلیل گفتمان انتقادی در پی افشا و واسازی آن است.

رویکرد گفتمان تاریخی وداک: این مطالعه، در سنت برساختی، روش تحقیق کیفی و تحلیل گفتمان انتقادی، متن

¹ Historical Discourse Analysis (HDA)

عوامل بیرون از متن یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی را بررسی می‌کند. وداک با در نظر گرفتن زبان به عنوان شکلی از کردار اجتماعی، رابطه‌ای دیالکتیکی میان کردارهای گفتمانی - زبانی و حوزه‌های خاص عمل را از جمله موقعیت، چارچوب‌های نهادی و ساختارهای اجتماعی (کردارهای گفتمانی درون آن‌ها جای می‌گیرند) مفروض می‌گیرد. وی برای عملیاتی کردن رویکرد تاریخی-گفتمانی خود، به پنج استراتژی گفتمانی ارجاعی^۱، گزاره‌ای^۲، استدلالی^۳، منظرسازی^۴، تشدید یا تخفیف^۵ اشاره می‌کند که هر یک در بازنمایی مثبت خود و منفی دیگری در قالب منازعات گفتمان‌های رقیب به کار گرفته می‌شود. استراتژی‌های ارجاعی یا انتسابی، طرح‌های زبان‌شناختی چون مقوله‌بندی، عضویت، استعاره و مجاز است که برای درون‌گروه یا برون‌گروه‌سازی به کار می‌رود. استراتژی گزاره‌ای، ویژگی‌های مثبت یا منفی رفتارها را کلیشه یا تخمین می‌زند و خصوصیات کم و بیش مثبت یا منفی کنشگران اجتماعی را نام‌گذاری می‌کند. استراتژی استدلالی برای توجیه تحسین‌آمیز یا تحقیرآمیز، طرد یا دربرگیرندگی افراد به دلیل ویژگی‌های مثبت یا منفی آن‌ها به کار گرفته می‌شود. استراتژی منظرسازی، قالب‌دهی یا معرفی گفتمان را با استفاده از گزارش، توصیف، روایت یا برجسته‌سازی گفتارها و رویدادها بررسی می‌کند. استراتژی‌های تشدید و تخفیف در پی آن هستند که نیروهای غیرکلامی مؤثر گفتارها را افزایش یا کاهش دهند و این کار، معمولاً با معرفی ساختارهای معرفت‌شناختی متون انجام می‌شود. درواقع این استراتژی‌ها به طرح‌های عامدانه کردارهای گفتمانی اشاره دارد که با هدف سیاسی، اجتماعی، روان‌شناسی و زبان‌شناسی خاص اتخاذ می‌شوند و هر یک در سطوح متفاوت پیچیدگی و سازمان زبان‌شناختی جای دارند (Wodak, 2001; Wodak & Weiss, 2003).

اما به لحاظ روشی و تکنیکی برای پیشبرد روش تحلیل گفتمان انتقادی و عملیاتی کردن آن در موضوعات فرهنگی و اجتماعی و بررسی متن در چارچوب بافت و زمینه اجتماعی،

سه مرحله توصیف متن، تفسیر متن و رابطه بین متن و بافت اجتماعی باید انجام شود (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۱۶۸). در سطح توصیف که درواقع در سطح متن باقی می‌ماند، توجه به انتخاب نوع واژگان، کاربرد اسامی خاص و دستور زبان مدنظر قرار می‌گیرد. در سطح تفسیر با جنبه‌های بینامتنی و تاریخی متن سر و کار داریم. در این قسمت سعی می‌شود با دانش زمینه تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی به سطح تبیین راه یافت. درواقع در مقام تبیین توجه اصلی به نگاه ایدئولوژیک نویسنده در تقابل یا تأیید گفتمان موجود در جامعه و قدرت است که این مرحله با تکیه بر دو مرحله توصیف و تفسیر به دست می‌آید (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). سپس باید تلاش شود به بافتار موقعیتی یک عمل و کردار اجتماعی توجه شود. وداک همچنین با تأکید بر ضرورت تئوریزه کردن، توصیف ساختارها و فرایندهای اجتماعی خالق متن و سوژه‌های اجتماعی-تاریخی استدلال می‌کند همه اطلاعات پس‌زمینه‌ای (تاریخی) برای تحلیل و تفسیر لایه‌های گوناگون متن گفتاری یا نوشتاری به طور نظام‌مندی باید به هم گره زده شوند.

متن مورد تحلیل

بی‌تردید در دوران معاصر که مجموعه‌ای از فناوری‌های تصویری ما را احاطه کرده است، تصویر و امر دیداری اهمیت بسیاری یافته است و با رایج شدن فناوری‌های رسانه‌ای که به تولید و عرضه تصاویر توجه می‌کنند، به بررسی محصولات تصویری بیش‌ازپیش دقت شده است (سیلورمن، ۲۰۰۱: ۹۸ به نقل از فرقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۰). در این مقاله با تأکید بر اهمیت فرهنگ تصویری و بازنمایی‌های رسانه‌ای و پذیرش این پیش‌فرض که نظام گفتمانی حاکم بر جامعه، محصولات فرهنگی مانند فیلم‌های سینمایی (در اینجا مستند) را تولید می‌کند، تلاش خواهد شد مستند «دماغ به سبک ایرانی» تحلیل و واکاوی شود.

با در نظر گرفتن جامعه به مثابه فضایی گفتمانی می‌توان گفت هر آنچه در جامعه تولید می‌شود، تحت تأثیر قدرت است و لزوماً سوگیرانه؛ چون آن محصول گفتمانی به دنبال برجسته‌ساختن معنایی خاص و به حاشیه‌راندن معنایی خاص

¹ Strategies of Nomination

² Strategies of Predication

³ Strategies of Argumentation

⁴ Strategies of Perspectivation

⁵ Strategies of Intensification and Mitigation

عین حال، روشن‌بینی خوبی هم دارد؛ زیرا در غیر این صورت نمی‌توانست به ژرفای پدیده دست یابد و جست‌وجویش در حد نگاه کنج‌کاو ولی ساده‌انگار توریستی خارجی متوقف می‌شد.

گفتنی است در میان اندام انسانی، چهره بیشترین تراکم از بالاترین ارزش‌ها را در خود گرد می‌آورد. در چهره احساس هویت تبلور می‌یابد، بازشناسی دیگری انجام می‌شود و قابلیت‌های جذابیت تثبیت می‌شود (بروتون، ۱۳۹۲: ۱۰۳-۱۰۲). در فرهنگ ایرانی نیز چهره، محل تمرکز ارزش‌های زیبایی‌شناسانه به شمار می‌رود و از سوی دیگر، در مقایسه با سایر اجزای بدن، با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های اخلاقی کمتری مواجه است (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۴۱۵). متن مورد تحلیل در این مقاله نیز بر یکی از همین اجزاء و در پهنه صورت متمرکز است؛ یعنی دماغ. عکاسی در فیلم مستند در تشریح اهمیت بینی می‌گوید: «انقلاب ایران باعث پنهان‌شدن بدن زن و تأکید بر چهره شد؛ زیرا زنان، دیگر موی خود و سر خود را نمی‌توانستند آرایش کنند؛ در نتیجه تأکیدات بیشتر بر قرص صورت و بینی متمرکز شد» همچنین در ادامه دختري جوان محدودیت در زیبایی و جذابیت در سایر ارکان بدن زنانه را دلیل گرایش بیش‌از حد و حصر بر عنصر صورت و به‌طور خاص بینی می‌داند. پژوهشگران این عطف توجه و گرایش را با عنوان «قدسی‌سازی صورت»^۳ مطرح کرده‌اند (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۴۱۶).

تحلیل داده‌ها

اشاره به متون، موضوعات، مضامین و گفتمان‌های متن در سطح اول یعنی توصیف بر اساس گفتمان‌های کلان شناسایی‌شده متن به‌شرح زیر است:

دیگر است (سلطانی، ۱۳۸۶: ۴)؛ به بیان دیگر نظام یا نظام‌های گفتمانی حاکم بر جامعه، حوزه فرهنگ را تولید می‌کنند و محصولات فرهنگی تولیدشده مانند تصاویر نظام گفتمانی حاکم بر جامعه را تقویت و بازتولید می‌کنند و به بر ساخت دیدگاه خاصی توجه می‌کنند.

مستند به‌ویژه مستندهای اجتماعی-سیاسی به‌علت ارتباط تنگاتنگ با ساختارهای قدرت در زمره متون رسانه‌ای مورد توجه مخاطبان رسانه‌های دیداری و شنیداری است (علوی، ۱۳۹۲). مستند «دماغ به سبک ایرانی» ساخته مهرداد اسکویی^۱ و محصول سال ۱۳۸۵ است. فیلم مستند در این مقاله، یک گفتمان‌گونه (ژانر^۲) مستقل را تشکیل می‌دهد. همچنین می‌توان گفت تصاویر آرشیوی دوران جنگ، تصاویر شبکه‌های ماهواره‌ای و تصاویر سردر سینماها از دیگر ژانرهای موجود در متن است. در این ژانر گفتمانی، فیلم‌ساز یک مسأله اجتماعی یعنی گرایش روزافزون به جراحی زیبایی در جامعه ایرانی را به عنوان یک کردار گفتمانی با مدیوم رسانه در قالب مستند بازنمایی می‌کند. مدت‌زمان مستند ۵۹ دقیقه است و فیلم سعی دارد با تمرکز بر چهره و صورت در ایران و به‌صورت جزئی جراحی بینی در ایران، نظرگاه‌ها و رویکردهای مربوط را بررسی و تجربیات مبادرت‌کنندگان بدین عمل و متصدیان دیگر را فراهم کند. در مورد اهمیت این مستند می‌توان گفت «دماغ به سبک ایرانی» مستندی است که تنها به «بیان مسأله» جراحی زیبایی بینی اکتفا نمی‌کند و دوربین به‌مثابه «قلم یک پژوهش‌گر اجتماعی» کنکاش کرده و بدین‌منظور با شخصیت‌های حقیقی و حقوقی گفتگو می‌کند و به دنبال «کشف فراگیری جراحی زیبایی بینی در جامعه ایران» است (سیارپور، ۱۳۹۲). همچنین دوران (۱۳۸۷) معتقد است این مستند نشان می‌دهد مهرداد اسکویی نه تنها از شامه تند و تیزی نسبت به فعل و انفعالات جامعه خود برخوردار است که در

^۱ اسکویی، مستندساز مستقلی است که تاکنون ۶۰ جایزه داخلی و بین‌المللی به دست آورده و از سال ۱۳۶۷ ساخت فیلم مستند را پیش برده است. از آثار معروف او می‌توان به «از تاریخ او» و «از پس برقع» اشاره کرد.

^۲ ژانر (genre)، یا به تعبیر یارمحمدی (۱۳۸۰) گفتمان‌گونه به متنی اطلاق می‌شود که هدف ارتباطی خاصی را برآورده می‌سازد. کرس (۱۹۸۵: ۱) در حتم و میسن، (۱۹۹۰: ۶۹) نیز گفتمان‌گونه را متنی می‌داند که به‌شکلی قراردادی نقش‌ها و اهداف ویژه‌ای را در موقعیت‌های اجتماعی خاصی منعکس می‌کند.

^۳ ذکایی و فرزانه (۱۳۸۷) در بخش یافته‌های مقاله‌شان بدین مسأله اشاره کرده و گفته‌اند که برخی از زنان به‌دلیل ملاحظات شرعی و عرفی و در پوشش‌بودن اندام، بیشتر به جراحی ناحیه صورت و بینی متمایل هستند. همچنین بهار و وکیلی (۱۳۹۰: ۷۳) معتقدند فاعلان اجتماعی برای تحقق اهدافشان از صورت به‌عنوان در معرض دیدترین و متظاهرانه‌ترین قسمت بدن در ارتباطات اجتماعی و مجرای ارتباطی در استفاده از زبان غیرکلامی، استفاده می‌کنند.

جدول ۱- گفتمان‌های موجود در فیلم مستند

نهاد مدرسه				
متن فیلم	استراتژی	توپوی ^۱	تحلیل اولیه	ملاحظات دیگر
الآن دماغ دیگه د مده شده. بینی‌شون رو عمل کردن، گونه‌شون و پلک‌شون رو عمل کردن، دیگه جایی نمی‌مونه، باید برس‌ن به بدن و اینا. (یک دانش‌آموز)		تنوع‌جویی	رقابت اجتماعی در سیر زیباسازی بدن و جذاب ساختن جسم. بدل شدن زیبایی به ارزشی جمعی و اجتماعی	همخوان با سنخ سوم در مطالعه آزادارمکی و غراب ^۲ (۱۳۸۷: ۱۱۶) دختر مادی ^۳ بوردو (۱۹۹۳)
شما خودتون شخصاً از دیدن زیبایی لذت نمی‌برید؟ گل زیبا رو می‌بینید لذت نمی‌برید؟ مسلماً لذت می‌برید. این حس زیباپسندی هم توی من وجود داره، توی همه بچه‌های کلاس مون وجود داره. مسلماً ما همه‌مون زیبایی رو دوست داریم. منم شخصاً آگه دماغم مورد داشته باشه، عمل می‌کنم (یک دانش‌آموز)	۱- استدلالی ۲- تعمیم و ابهام (نامشخص‌سازی)	توپوی زیبایی‌پسندی و عام جلوه دادن آن	رفیع‌پور (۱۳۸۲) معتقد است همواره یکی از منابع ارزش‌های اجتماعی، نیازهای اشخاص است. در اینجا نیز شاهد بودیم که گزاره‌های دختران دبیرستانی رابطه‌ی بین ارزش اجتماعی زیبایی و گرایش به زیباپسندی و جذابیت را به‌عنوان نوعی نیاز اصلی و محوری بر می‌سازند.	دال «مسلماً» بر قطعیت آن صحنه گذاشته و گوینده سعی در نوعی تعمیم‌دهی ایده‌ی خود دارد و به همین منظور از لفظ «همه انسان‌ها»، «همه‌ی بچه‌های کلاس» و استفاده می‌کند. کلمه «شخصاً» دلالت بر فردیت ویژه دارد ^۴
۱- تو سال ۸۵ ما شنیدیم که واسه‌ی هر یه دونه پسر، ده تا دختره، بالاخره هر کی زیباتر بود زودتر انتخاب میشه. (یک دانش‌آموز) ۲- به نظر من الآن دخترها توی ایران اعتماد به نفس‌شون رو از دست دادن ^۵ ، نباید به پسرها توجه کنن. آگه به عمل کردنه، پسرها اولین نفرهای هستن که باید برن عمل کنن ^۶ (یک دانش‌آموز)			تمایل به جراحی زیبایی بینی به دلایلی مانند، افزایش جذابیت جهت و ارتقای شانس ازدواج. زیبایی ابزاری برای حصول قدرت زنانه. زیبایی زن در برابر قدرت و منزلت و ثروت مرد معامله می‌گردد. زیبایی پادشاه آور و قدرت‌بخش است (مک اروین ابولان، ۱۳۸۱؛ به نقل از ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۷). هراس از حذف و طرد اجتماعی	درونی شدن سلطه‌ی مذکر با همکاری خود زنان. بدن میانجی حصول امتیازات اجتماعی. جراحی نوعی عمل اعتماد به نفس‌ساز (احیای اعتماد به نفس تخریب و تضعیف شده زنان ^۷) است؛ اعتماد به نفسی ناظر بر حوزه عمومی و نه خصوصی (آزادارمکی و غراب، ۱۳۸۷).
نهاد پزشکی				
متن فیلم	استراتژی	توپوی	تحلیل اولیه	ملاحظات دیگر
به ما مراجعه می‌کنن می‌گن اینجای دماغم کج، قوز داره، شوهرم میگه بده، طلاقم دادن، دخترم مونده	۱- نام‌دهی (روان‌پزشک،	تخصص، موفقیت و	از حیث نتایج و دستاوردها اقتدار جادویی ^۱ پزشکان را تاکید ساخته	مثبت جلوه دادن جراحی بینی و ترغیب متقاضیان

^۱ از منظر وداک، توپوی (Topoi) براهین یا احتجاجاتی هستند که برای بهتر بیان کردن یه به نتیجه رسیدن استنتاج‌ها بکار گرفته شده و امکان گذر از مقدمات به نتیجه را برای سخنگو یا سوژه گفتمانی فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر توپوی‌ها، گذار از ادعا یا مباحثه‌ی گفتمانی به نتیجه‌گیری را فراهم می‌کنند (وداک، ۲۰۰۱).

^۲ انسان چیزی جز جسم و بدنش نیست و در نتیجه این گروه بدن را عیناً مترادف با هویت می‌داند. آنان خود را با بدن‌شان این‌همانی ساخته و یکی می‌دانند

^۳ Material girl

^۴ این گفتار یادآور نظریه دورکیم است که معتقد بود: بدن عامل فردیت یافتن است (بروتون، ۱۳۹۲: ۳۷)

^۵ گیدنز، جامعه‌شناس معاصر انگلیسی، معتقد است زنان به‌ویژه بر اساس ویژگی‌های جسمانی‌شان قضاوت می‌شوند و احساس شرمساری نسبت به بدنشان رابطه‌ای مستقیم با انتظارات اجتماعی دارد.

^۶ این گفتار بیانگر آن بوده که مرز جنسیتی در جراحی زیبایی امحا شده و دیگر عمل زیبایی بینی در انحصار زنان و دختران جوان نیست و این گویای تغییر در فضای گفتمانی جامعه در سطوح طبقه متوسط در ارتباط با بدن و دخل و تصرف در آن و تغییر در معیارها و رمزگان مردانگی است. همانطور که سام نیز در این مستند پیش از جراحی بر تخت بیمارستان نشسته و منتظر عمل زیبایی است. وی توضیح می‌دهد که منتظر رسیدن لحظه بعد عمل بوده تا ببیند که آیا «خوشگل و تودل‌برو» می‌شود یا خیر.

^۷ مطالعه ذکایی و فرزانه (۱۳۸۷: ۵۲) نیز با این اشاره همخوانی دارد. در مطالعه‌ی ذکر شده کمبود اعتماد به نفس زنان و احساس فشار اجتماعی از سوی مردان، جامعه و خانواده منجر به نارضایتی از بدن و دخل و تصرف در آن در بین نمونه‌ی تحقیق شده است.

رو دستم، میگن دماغش بزرگه، ما درواقع داریم یک روان‌پزشکی به‌اصطلاح یک ساختار نژادی انجام میدیم با چاقو ^۱ (پزشک متخصص) ۲- این موارد توی عمل درست میشه. اکثر مواقع هم مریض‌های من میگن: نتیجه بهتر از طراحی اولیه شده. (پزشک متخصص)	اصلاح ساختار (نژادی) ۲- استدلالی	دستاوردهای حرفه‌ای، همه‌پزدانی و مهندسی اجتماعی	ساخته و گفت‌مان جراحی زیبایی را مثبت و مشروع بازنمایی می‌کند.
واقعیتش اینه که هنوز خیلی از مردم نمی‌دونن که چه زمانی باید عمل بینی انجام بدن. هنوز میان پیش من که متخصص پوست هستم می‌گن شما بینی ما رو عمل کن. من اگه آدم درستی نباشم می‌تونم به شما بگم باشه بیا تا برات عمل کنم. شما توی اتاق عمل من رو می‌بینی به‌عنوان جراح، توی لباس جراحی. ولی بعد من نیستم که شما رو عمل می‌کنم دوست من که متخصص گوش و حلق و بینی شما رو عمل می‌کنه. این اتفاق به ندرت اتفاق می‌افته. ولی اتفاق می‌افته. (پزشک متخصص)	استدلالی	سودجویی	برملاسازی کاسب‌کاری‌های متخصصان، پاد گفت‌مان پزشکی متن و گفت‌مان حقوقی
شما اگر دقت کنید بیش از پنجاه یا هفتاد درصد ثروت دنیا خرج این میشه که شما قشنگ ببینید، طرح لباس شما، مبلمان خونه شما، رنگ دیواراتون، فرش تون. برای چیه؟ می‌تونست همه چیز سیاه یا سفید باشه. بیشترین پولی که شما برای اتومبیل تون می‌دید برای رنگ و طراحی بدن و تودوزیشه، گیربکس و موتور که هزینه‌ای نداره. بیش از پنجاه درصد ثروت دنیا خرج این میشه که زیباتر ببینیم. (پزشک متخصص)	استدلالی	زیبایی‌شناسی و زیبایی‌پسندی ^۳	پیوند دال زیبایی‌پسندی و تخصص با جراحی زیبایی. تجملی و لوکس شدن زیبایی، شی‌گونه‌سازی بدن، رویکرد مصرف‌گرایانه به بدن. عام‌سازی
برعکس اون چیزی که شما فکر می‌کنید در سطح جهانی جراحی اصولاً در ایران خیلی ارزونه، خیلی از بستگان ما، فامیلامون در آمریکا هستن، میان ایران جراحی بینی انجام میدن و برمی‌گردن (پزشک متخصص)	استدلالی	هزینه و مقرون‌به‌صرفه بودن جراحی زیبایی	مزیت‌های جراحی زیبایی در ایران و هزینه‌های پایین آن
ایشون می‌خواست پاسپورت بگیره موفق نشده بود، مجبور شد از ما نامه بگیره و بعدشم که خیلی از دوستاش باور نمی‌کردن که این آدم عوض شده. ببینید ما همیشه باید به مقدار با دید مثبت‌تر به ماجرما هم نگاه کنیم. ۲- ایشون درخواست کرد که دماغش بزرگه و به خاطر دماغش توسط دوستاش مورد تمسخر قرار می‌گیره. نیاز داشت به این جراحی و ما بینشو به این شکل درآوردیم ^۴ . (الآن) رضایت‌مندی خوبی به	استدلالی	موفقیت	نقش مهم گفت‌مان پزشکی در تقویت اعتماد به نفس و رضایت شخصی افراد از خود و احساس خرسندی شخصی
جراح به مثابه جادوگر حاذق. دستاوردهای مثبت و مؤثر			

^۲ فکوهی (۱۳۸۶) معتقد است که جراح همچون جادوگری اسطوره‌ای نماینده‌ای از اراده مردانه جامعه است که کالبد را «اصلاح» می‌کند و با گفت‌مان مدرن خود «به آن شانس بازگشت دوباره و استفاده از زندگی» را می‌دهد.

^۱ به باور دیویس (۱۳۹۲) جراح در موقعیت مرجعیت تشخیص بدن‌های بهنجار از غیر بهنجار قرار گرفته است.

^۳ مشابه اظهارات یکی از دانش‌آموزان

^۴ زنان همواره دعوت به خوشایند بودن می‌شوند. این فشار از طریق اسطوره‌ی زن اعمال می‌شود. در قالب این اسطوره، زن، مدل جمعی و فرهنگی خوشایند بودن است.

دست آورده و تقریباً اعتماد به نفس بالاتری دارد و خیلی خوشحال‌تره (پزشک متخصص)				
خیلی زیاد این قضیه پیش اومده که دختر پسرای بیان اینجا که بینشون رو عمل نکردن و خوب چسب بخوان و خیلی عجیب برای منه که چسب‌های گرون‌تری رو هم انتخاب می‌کنن تا این چسب‌ها رو روی بینشون بزنین (متصدی داروخانه)				نقش مصرف کالاها و لوازم آرایش در ساخت خود و هویت (نگرین، ۲۰۰۸). نمایشی شدن اجزاء بدن (لایس، ۱۹۸۶). بصری شدن نمادهای منزلت در فرهنگ کلان‌شهری. امکان دست‌کاری و نظارت بر ظواهر بصری به‌مثابه حامل ضمیر انسانی (چاوشیان و آزادارمکی، ۱۳۸۱). ^۱
نهاد دین				
متن فیلم	استراتژی	توپوی	تحلیل اولیه	ملاحظات دیگر
متأسفانه ما در جامعه امروز خودمون عرصه‌های خالی زیاد داریم که هنوز پر نکردیم؛ اینکه جوون‌ها توی اون عرصه‌ها احساس خلاء می‌کنن. مذهبی که ما برای جوون‌ها معرفی می‌کنیم، نمی‌تواند این جوون‌ها رو اشباع کند حالا یا به‌گونه‌ای است که با واقعیات موجود سازگار نیست یا به‌گونه‌ای است که نیاز بچه‌ها را پاسخ نمیده، اینکه من فکر می‌کنم اگر واقعاً ما یک فرهنگی در جامعه بسازیم، یک مذهبی بسازیم و در عرصه‌ای وارد کنیم که این جوون‌ها تو اون عرصه احساس خلاء نکنند، فکر می‌کنم که به این چیزها پناه نمی‌برن (حجت‌الاسلام فاضل میبد)	منفعل‌سازی ^۲ (جووانان)		آسیب‌شناسی وضعیت و کاستی‌های موجود در نهادهای مختلف دینی و تربیتی	دلالت ضمنی: در صورت وجود سامان دینی پاسخگو و کارآمد، جووانان دیگر گرایشی به سبک زندگی مدرن و کردارهای متجددانه نخواهند داشت.
در سال‌های اخیر، ما مجموعاً در بخش جووانان و به‌ویژه زنان، احساس بی‌هویتی، احساس بی‌خودی کردن را کاملاً مشاهده می‌کنیم. جووان‌ها احساس می‌کنن که تمام اون چیزی که دارن اون صورت و ظاهرشان هست که می‌تونه در جامعه نمایان بشه و بتونن جلب‌توجه کنن. (حجت‌الاسلام ایازی، حوزه علمیه شهر قم)	حذف استراتژیکی کنش‌گران دخیل در جراحی زیبایی		جراحی زیبایی با دال‌های مانند بیگانگی، تظاهر و خودنمایی هم‌نشین شده است.	کاربرد صفات کلیشه‌ای و منفی مانند بی‌هویتی، بی‌خودی بودن
در مجموع ما بایستی ببینیم عیب اصلی از کجاست، از جانب خود جووان که این حس رو می‌خواد ابراز کنه یا از جانب کسانی است که متصدی الگودهی به جووانان هستند. به نظر می‌رسه از این جنبه ما نمی‌توانیم جووان رو تویخ کنیم چون به‌رحال یک حس درونش هست که می‌خواد ابراز کنه (حجت‌الاسلام رهنما)	منفعل‌سازی		آسیب‌شناسی وضعیت و کاستی نقایص موجود در نهادهای مختلف دینی و تربیتی	عیب‌انگاری توجه به بدن و نمایش خود

^۱ این یافته همچنین با نتایج تحقیق بهار و وکیلی (۱۳۹۰) قرابت دارد، که معتقد بودند: در حوزه‌ی زیبایی دانشجویان به جای "مالکیت مادی" از "مالکیت‌های نشانه‌ای" و به عنوان نیروی فرهنگی - اجتماعی تازه به جای چشم و همچشمی مالی و نیز مصرف متظاهران مادی به "چشم و همچشمی نشانه‌ای" و "مصرف متظاهران‌های نشانه‌ای زیبایی" روی آورده‌اند.

همچنین این امر یادآور مفهوم منظرگرایی (lookism) است یعنی قضاوت و پیش‌داوری بر اساس ظاهر فردی (آمالیا، ۲۰۱۴: ۵۴)

^۲ فعال‌سازی زمانی رخ می‌دهد که کنشگرهای اجتماعی، نیرویی فعال و پویا در کنش‌های اجتماعی بازنمایی شوند و در مقابل منفعل‌سازی قابل اطلاق به وضعیتی است که کنشگرها متحمل اثر یک کنش شوند.

جنگ برای ما یک نعمت است. در جنگ معنویت رشد کرد، فرهنگ ایثار و فداکاری، فرهنگ دفاع رشد کرد. اونجا دیگه جایی برای تظاهر و ریا نبود. اونجا مرگ بود، شهادت بود. اگر (رزمنده) دستش رو از دست می‌داد می‌گفت دستم کم بشه ولی جای دیگه ارضا و اشباع هستم؛ چون به جایی وصل بود (حجت‌الاسلام احمدپور)	تفکیک و طبقه‌بندی در استعاره‌ی فضایی - مکانی و شکل‌دهی دوگانه‌ی «آنجا و اینجا»	توپوی معنویت، شهادت و ازخودگذشتگی	به گفت‌مان جراحی زیبایی (دنیا و بدن‌محوری) نقد وارد کرده و آن را به حاشیه می‌راند.
نهاد هنر و رسانه			
متن فیلم	استراتژی	توپوی	تحلیل اولیه
بینی رو وقتی می‌خوایم عمل کنیم باید در تناسب با قسمت‌های دیگر چهره عمل کنیم. یه وقت ممکنه که بینی بلند می‌خوایم کوتاهش بکنیم، البته کوتاه بشه قشنگ‌تره اما اگه این آدم پشت لب بلند داشت، این جوری، حالا دماغشم ببریم بالاتر. چهره‌اش مثل میمون میشه (نصرت کریمی)	۱- نام‌گذاری (مقوله‌بندی). ۲- گزاره‌ای (زشت و منفی جلوه دادن). ۳- استدلالی ۴- تشخیص‌زدایی و انتساب هویت غیرانسانی (حیوان) به مبادرت‌کنندگان (کرس و ون‌لیوون، ۲۰۰۶)	توپوی زیبایی‌شناسی و هارمونی	نیات حاشیه‌سازانه و طرد‌کننده‌ی گوینده
آدم‌ها یه جوری واقعاً هستن، یه جوری آرزو می‌کنن که باشن که گاهی اون ماسک رو می‌زنن به صورت‌شون که شبیه اون کسی که آرزو می‌کنن باشن، یه جوری دل‌شون می‌خواد مردم بشناسن‌شون، اونم یه ماسک دیگه‌اس، اما یه جوری هم مردم واقعاً می‌شناسنشون، جالب اینجاس اونجور که مردم می‌شناسنشون خیلی شبیه به همون جوریه که هستن. این دوتا ماسک اصلاً بی‌خوده (نصرت کریمی، مجسمه‌ساز، کارگردان و بازیگر)	۱- تشدید ۲- مشخص‌سازی چند موردی و به‌طور خاص استراتژی وارونگی		جراحی زیبایی را کاذب و ناپسند جلوه می‌دهد. جراحی زیبایی و بالأخص بینی به‌مثابه عملی «بی‌خود» و بی‌کارکرد برچسب خورده و از مرکزیت عزل می‌شود
همشون عمل می‌کنن که ازدواج کنن دیگه. نمی‌دونن که خیلی از ما پسرها، بینی عمل کرده دوست نداریم ^۱ . من خیلی خوشم نمیاد. مثلاً از این دماغ‌های که قد نخود، حالا نمی‌گم مثل دماغ کدوم از بازیگرا ولی... (منصور ضابطیان، مجری و تهیه‌کننده)	نام‌گذاری (ما: پسران- آن‌ها: دختران)	توپوی فرم و میل مردانه	بهره‌گیری از مجاز نخود برای تشخیص‌زدایی
طرف می‌خواد فیلم تاریخی بسازه مثلاً فیلم حضرت مریم، یه حضرت مریم پیدا نمی‌کنیم که بینشون عمل نکرده باشه. هر کی میری سراغش می‌بینی عمل کرده، همشونم شکل همدیگه (مازیار	تشدید	اشکالات فرمیک و زیبایی‌شناسانه بینی‌های عمل شده	بازنمایی منفی جراحی زیبایی بینی.

۱ یزدخواستی و همکاران (۱۳۹۱) معتقدند بدن زنان یکی از سررشته‌هایی است که هستی‌شناسی مردانه به آن شکل داده است و همسو با نظارت و کنترل است.

میری)				
متصور ضابطیان با آوردن مثال‌هایی از بازیگران غربی توضیح می‌دهد که آنان (بازیگران غربی) بینی‌ها و هیكل‌های بزرگی دارند اما برای بازیگری نیازی به جراحی بینی یا دست‌کاری دیگر اجزاء بدن‌شان نمی‌بینند	۱- طبقه‌بندی، تفکیک و غیریت‌سازی. ۲- انتسابی یا ارجاعی، درون‌گروه و برون‌گروهی		غیریت‌سازی (بازیگران مطرح سینمای غرب) علیه گفتمان داخلی جراحی زیبایی عمل کرده و مبادرت‌کنندگان این عمل را (در بین بازیگران سینمای ایران) در تنگنا قرار می‌دهد.	برون‌گروه با ارزش‌های مثبت و درون‌گروه را با ارزش‌های منفی و ماتریالیستی بازنمایی می‌شوند: (بازیگر غربی عادی و طبیعی - آکتور ایرانی متظاهر و دستکاری‌شده).
کنشگران و سوژه‌های اجتماعی (مبادرت‌کنندگان و متقاضیان)				
متن فیلم	استراتژی	توپوی	تحلیل اولیه	ملاحظات دیگر
تو ذهنم جمع شده بود: مثلاً دماغ‌گنده، دماغ‌دراز، طوطی. امثال‌هم چیزهای که به ذهن می‌رسه و چیزایی که می‌گن و این خوب به مرور آزار می‌داد و من واقعاً فکر می‌کردم این یه تیکه استخون اضافه توی صورتم خیلی از حق‌ها رو از من گرفته.	فعال‌سازی		فردیت زنانه	
قیافه‌ی قبلم رو خیلی بیشتر دوست داشتم الان توی این چند روزی که عمل کردم هر چی خودم رو توی آینه نگاه می‌کنم، زیاد با خودم آشنا نیستم. انگار با خودم غریبه‌ام ولی خوب خیلی خوشحالم.	فعال‌سازی		احساس رضایت و نارضایتی، تناقضات گفتاری، دیالکتیک ندامت - خوشحالی	
متأسفانه دچار پوچی و بی‌هودگی شدیم و همه چی جایگاه خودش رو ازدست‌داده و این یه جورایی مثله یه بیماری و اپیدمی شده و همه‌ی مردم رو کم‌وبیش در برگرفته (زن مبادرت کرده به جراحی بینی)	گزاره‌ای		جراحی بینی با برچسب‌های مانند پوچی و بی‌هودگی هم‌نشین شده و دال «بیماری» نیز بر این وضعیت آسیب‌شناختی صحنه می‌گذارد	دال «متأسفانه» به لحاظ معنایی و نحوی، وضعیت ناپسند و کریه فوق را تشدید می‌کند
سام پیش از عمل جراحی، فرایند عمل و پس از آن می‌لرزد، دچار عوارض بعد عمل شده و به‌نوعی از درد به خود می‌پیچد، حال تهوع دارد و در موقعیت جسمانی ضعیف و کم‌رمقی قرار گرفته است			وضعیت زجرآوری در مورد روندهای جراحی بینی تصویر می‌شود	منفی‌سازی
امروز عکسام در آورده بودم، اون قوز و اینا برداشته‌شده، بهتر شده، ولی این سرش و اینا یه ذره باهش مشکل دارم، سرش یه ذره گندس دلم می‌خواست یه ذره کوچولوتر باشه، همه می‌گن پسری؛ به صورت نمیداد (سام پس از عمل جراحی)	استدلالی	عدم رضایت و پیشی‌بینی‌پذیری	جراحی بینی را امری واجد ریسک می‌داند	رضایت و نارضایتی
دفاع مقدس				
متن فیلم	استراتژی	توپوی	تحلیل اولیه	ملاحظات دیگر
فیلم با صحنه‌ی جنگ تحمیلی شروع می‌شود. سکانس متعاقب، با ذکر ۱۶ سال بعد در پایین تصویر، صحنه‌ای از پیست اسکی و فراغت جوانان دهه هشتاد را تصویر می‌کند که در حال ورزش اسکی هستند	۱- چشم‌انداز یا منظر‌سازی (موضع ایدئولوژیک کارگردان). ۲- طبقه‌بندی و ساخت درون گروه و برون گروه.		دال‌های محوری مانند ایثار، فداکاری، شهادت در نظام معنایی و گفتمانی فیلم نقش ایفا کرده و پایه‌ی تقابلی گفتمان فیلم را شکل می‌دهد.	بیانگر نوعی تغییر کلان ارزشی در نظام فرهنگی جامعه‌ی دو دهه پس از جنگ است

			۳- نام‌گذاری یا ارجاعی مبتنی بر شکل‌گیری ضمنی درون‌گروه و برون‌گروه (ما و دیگری).	
از خودگذشتگی، شهادت و اینار در تقابل با فرهنگ مبتنی بر محوریت بدن، ارزش‌های مادی‌گرایانه، نفع شخصی و دنیاگرایی معاصر. عبارت «از زمین تا آسمان» دلالت بر عمق و ژرفای این تغییر فرهنگی دارد	شخصیت پرستار با ذکر روایت از دوران جنگ و توصیفی از وقایع آن برهه‌ی تاریخی، موضع و جایگاه خود را مشخص ساخته و گفتمان مسلط حاکم بر فیلم که در سکانس نخستین اثر نیز حاکم بود، را بازنمایی می‌سازد		۱- گزاره‌ای (انتسابی). ۲- استراتژی منظرسازی	زمین تا آسمون فرق کردیم. زمانی که ما تو جبهه بودیم کسی که من داشتم پانسمانش می‌کردم می‌گفت: منو ول کن برو به یکی دیگه برس؛ یعنی من خودم به شب هجده نفر و پیچیدم فقط بالا و پایین ملافه رو می‌بستم، هیچ‌کس ناراضی نبود که من به خودش نمی‌رسم به اون یکی می‌رسم (پرستار)

تفسیر و تبیین متن

در این متن، گفتمان‌های متداخل و همسو یا واگرا نسبت به هم وجود داشتند که بعضاً در وضعیت متنازعی با یکدیگر قرار می‌گرفتند و همین امر سازنده‌ی شاکله‌ی فیلم و روایت گفتمان‌مدارانه‌ی جراحی زیبایی بینی در ایران بود. از حیث نهادی می‌توان گفت فیلم و روایت حاکم بر آن حول چند نهاد تأثیرگذار پیرامون مقوله‌ی بدن و جراحی زیبایی استوار است. نهاد تعلیم و تربیت که مکان و حوزه‌ی عمل آن مدرسه و سخنگویان آن صرفاً دانش‌آموزان (دختر) بودند. نهاد دین که حوزه‌ی عمل آن مدارس دینی و سخنگویان آن روحانیان و مدرسان حوزه‌ی علمیه بودند و نهاد پزشکی که حوزه‌ی عمل آن بیمارستان، مطب پزشکان، اجلاس‌های پزشکی و سخنگویان آن پزشکان، جراحان و پرستاران یا منشیان پزشکان بودند. نهاد دیگر نیز فرهنگی و نماینده‌ی آن اهالی رسانه، هنر و سینما بودند.

در نهاد مدرسه، گفتمان فیلم صرفاً روایت دانش‌آموزان را برجسته کرد و روایت فیلم، معلمان، مدرسان و مسئولان تربیتی و آموزشی را محذوف کرد. در این نهاد همچنین کمتر نشانی از فضای رسمی و خشک تأدیبی آموزشی و کنترلی وجود داشت و به‌نوعی گفتمان مدرسه در روایت فیلم را دختران دبیرستانی واژگون می‌کنند. در این سطح دانش‌آموزان به‌طور عمده در قطب موافق با جراحی زیبایی قرار داشتند و

بیشتر دلایل و علل گرایش به این جراحی‌ها را تشریح کردند و در پاسخگویی به پرسش‌ها همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد دلایلی مانند زیبایی‌دوستی، افزایش اعتماد به نفس، افزایش شانس ازدواج، تنوع‌طلبی، اقتضائات سنی و نسلی را مطرح کردند. به‌طور کلی می‌توان گفت نهاد آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیت با حذف (عامدانه) مسئولان تربیتی و آموزشی، کلیت حاکم را موافق و همسو با جراحی زیبایی بدن، گفتمان بدن‌مدرن و متحول‌بازنمایی می‌کند.

گفتمان پزشکی راجع به بدن از زبان جراحان پلاستیک در فیلم به‌شدت و با اطمینان زیاد در تأیید تام و تمام این‌گونه اعمال و تخصص ناب و هنرمندانه‌ی جراحان زیبایی و مقرون به صرفه‌بودن آن، پیامدهای مثبت اجتماعی و به‌دست‌آوردن امتیازات اجتماعی با انجام این‌گونه دست‌کاری‌ها صحبت می‌کند و در سوی موافق و مدافع جراحی زیبایی بینی و اهمیت بدن قرار می‌گیرد. روایت فیلم، پزشکان را خدایگان سفیدپوشی بازنمایی می‌کند که با دستانی جادویی به اصلاح و مهندسی اجتماعی اقدام می‌کنند و عرضه‌کننده‌ی مقبولیت اجتماعی هستند. گفتمان پزشکی همچنین در این بازنمایی سعی دارد ریسک این‌گونه اعمال را در پرتو پنجه‌های ماهر، حاذق و هنرمندانه‌ی پزشکان کاهش دهد و بیشتر از همه موفقیت‌آمیزبودن این‌گونه اعمال را مرجح کند. افزون بر این، در مستند مذکور پوسترها و بیلبوردهای سینمایی که بیشتر بر

بازیگران زن تمرکز می‌کند و چهره‌هایی را به تصویر می‌کشد که دماغ‌شان را عمل کرده‌اند، به‌مثابه یک ژانر در خدمت تقویت گفتمان پزشکی بود؛ یعنی به‌لحاظ گفتمانی، جراحی زیبایی به نهادهای مدرنی همچون سینما وابسته است و به‌نوعی نهاد سینما مشوق جوانان برای الگوگیری در شاخص‌های مدرن سبک زندگی و مدیریت بدن است. همچنین باید گفت در روایت فیلم، نهاد پزشکی، تبلیغات سینمایی و بازیگران (به‌منزله الگوی مرجع جوانان) در کنار شبکه‌های ماهواره‌ای و محتویات رسانه‌ای غرب، تأییدکننده و مشوق جراحی بینی محسوب می‌شوند و در مدار گفتمانی در یک راستا قرار می‌گیرند.^۱

نهاد دیگر، نهاد دین است که در فیلم صدایی برای سخن گفتن و ایراد گفتار می‌یابد. در این سطح روحانیون مذهبی و مدرسان حوزه علمیه بیش از آنکه به‌طور مستقیم و به‌صراحت جراحی بینی را مذموم بشمارند، به‌صورت عمیق‌تر و با رویکردی آسیب‌شناسانه، چرایی کمرنگ‌شدن فرهنگ دهه شصت، گفتمان جنگ و اضمحلال ارزش‌های جامعه اسلامی را بیان می‌کنند و از دال‌هایی مانند خلاء هویتی، عیب، بیگانگی، احساس کمبود، خودمحوری سخن به میان می‌آورند. در این متن گفتمان روحانیان در پیوند مستقیم با گفتمان دین برای برجسته‌سازی منبع دیگری از هویت یعنی اسلام تلاش می‌کند (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳۱). در گفتمان دین هم فرد و هم جامعه، اعتبار خود را از خداوند می‌گیرند و دال‌های شناور حول دال اسلام معنا پیدا می‌کنند و به‌طور مثال مفاهیمی مانند معنویت‌گرایی، دنیا‌گریزی، ساده‌زیستی در مرکز قرار می‌گیرد (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳۷). به‌طور کلی می‌توان گفت نهاد دین و گفتمان مذهب درباره جراحی زیبایی بینی در فیلم، نگرشی انتقادی و آسیب‌شناسانه دارد و به‌صورت تلویحی و ضمنی این فرهنگ و گفتمان مدرن بدن

محور را طرد می‌کند و به حاشیه می‌راند و با کدهای منفی ارزش‌گذاری می‌کند. بنابر اعتقاد کرس و ون‌لیوون (۲۰۰۶) گفتمان‌ها لزوماً متن‌محور نیستند، بلکه چندوجهی‌اند و ترکیب متن با وجوه تصویری، دیداری است که گفتمان را شکل می‌دهد (Weinmann, 2010). مقوله‌ای که در اینجا از آن می‌توان کمک گرفت، مفهوم «آرشیو» است. آرشیو هم به‌معنای مجموعه متون و داده‌ها است و هم با تأسی از فوکو آن را نوعی نهاد می‌توان در نظر گرفت. در این معنا، آرشیوها خنثی نیستند، آن‌ها تجسم‌بخش قدرتی هستند که در ذات قاموس و قوانین زبان هستند؛ بنابراین هر نوع آرشیوی به‌دلیل مرجعیتش برای این نهادها جذاب است. به باور هال نیز آرشیو، منابعی است که یک گفتمان از آن تغذیه می‌کند (فرقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۰: ۱۴۴). در همین راستا گفتمان دینی پیرامون بدن در فیلم با برخی پاره‌گفتارهای دیگر موجود در متن تقویت می‌شود، بدین ترتیب که فیلم با بهره‌گیری از تصاویر آرشیوی خط مقدم (به‌مثابه یکی از ژانرهای متن)، روایت پرستار و خاطرات وی از دوران جنگ تحمیلی، نقاشی دیواری شهدا، مراسم و مناسک ماه محرم، روحیه شهادت‌طلبی و فرهنگ جبهه، گفتمان ارزش‌مدارانه دهه شصت را تقویت و مؤکد می‌کند. در مجموع در روایت مستند مورد تحلیل، تقابلی آشکار بین گفتمان دهه هشتاد (رویه‌های بدن‌محورانه، مصرفی و فراغتی: تصاویر پیست اسکی و ...) و دهه شصت، با محوریت تقابل سنت و تجدد، دال‌هایی مانند جمع‌گرایی - فردگرایی، ارزش‌های دینی - ارزش‌های عرفی و فردی، محوریت روح در مقابل جسم، بدن و فراغت شکل می‌گیرد و در لایه‌های زیرین متن، نظام معنایی و گفتمانی فیلم را می‌سازند.

در چارچوب هنر و به‌طور خاص در ساحت سینمایی، متولیان امر (یک هنرمند تجسمی، یک بازیگر و یک کارگردان) از بینی‌های عمل‌شده به‌مثابه معضلی نام می‌برند که تمام متقاضیان بازیگری را یکسان‌سازی می‌کنند و ایشان نیز نارضایتی خود را از این امر ابراز می‌کند. همچنین در همین چارچوب، مجسمه‌ساز نیز با تکیه بر توپوی فرم و زیبایی‌شناسی به‌شدت چهره‌های دست‌کاری‌شده را تقبیح و

^۱ پیوند مدیریت بدن و زنانگی نیز در اینجا مجدداً معنادار است و گفتمان فیلم را بر می‌سازد؛ به بیان دیگر جراحی زیبایی در این متن بیشتر وجه جنسیت‌مند و زنانه می‌یابد، به‌گونه‌ای که گفتمان فیلم پیوسته تلاش می‌کند دال جراحی زیبایی را با کنشگران اجتماعی زن پیوند بزند تا جایی که می‌توان از زنانه‌شدن جراحی زیبایی سخن به میان آورد.

ستیز و کشاکش اجتماعی شده است و در این متن دیدیم که بدن (زنانه) جنسیت‌مند، محل و کانون نزاع گفتمان‌های مختلف شده است. از سویی دیگر این سوژه جنسیت‌مند با بدن مادیت‌یافته‌اش همواره درگیر تشویش، ناخرسندی و گونه‌ای گناهکاری اخلاقی (فوکو معتقد بود بدن مکانی برای گناهان اخلاقی شمرده می‌شود) است و از امری گلایه دارد. این موضوع نیز بر نظریه باومن در مورد هویت‌های سیال و غیرقطعی و ناکامل پسامردن دلالت دارد.

افزون بر کاربرست نظری مطرح‌شده، می‌دانیم یکی از اهتمامات تحلیل گفتمان، عیان‌کردن پیچیدگی‌ها، تناقض‌ها و ناسازه‌های گفتمانی هر متنی است؛ به عبارتی اگرچه صورت‌بندی گفتمان، ساختار دارد؛ این امر لزوماً بدان معنا نیست که آن‌ها منطقی و منسجم هستند. درواقع بخشی از قدرت هر صورت‌بندی گفتمانی در چندگونگی مباحث متفاوت آن نهفته است (فرقانی و اکبرزاده، ۱۳۹۰: ۱۴۲). هال (276: 1992) به قطعه‌قطعه‌شدن، انسجام‌داشتن، تکرار و تنوع هویت‌های معاصر پسامردن اشاره می‌کند. هویت‌های متناقض و بعضاً حل‌ناشده که سویه‌های ناهمخوانی را در یک سازه کلان کنار هم به یکدیگر متصل کرده است. در این بازنمایی و در سطح مبادرت‌کنندگان نیز دیدیم که دوگانگی آنان نسبت به جراحی زیبایی، برساننده نوعی تناقض به‌لحاظ گفتمانی در فیلم است. به‌صورتی که مبادرت‌کنندگان به این عمل در وضعیت تشویش، اضطراب، ترس و ناخوش‌احوالی بازنمایی می‌شوند و در ارزیابی نتیجه عمل جراحی در مرز رضایت و نارضایتی قرار دارند و تردید خود را همچنان به‌دلیل فرم بینی ابراز می‌کنند.

به‌طور کلی می‌توان گفت فیلم نزاعی گفتمانی بر سر بدن، جراحی زیبایی و مشروعیت یا نامشروع‌بودن آن بین گفتمان مدرسه و پزشکی از یکسو - به‌عنوان تأییدگران این کنش و کردار گفتمانی - و گفتمان دین و هنری - به‌عنوان نکوهش‌گران این کردار - است و در این میان مبادرت‌کنندگان نیز در دیالکتیک‌هایی همچون اطمینان و تردید، تشویش و آسودگی و فردیت و تصویر خود در آینه دیگری قرار می‌گیرند. نظام معنایی و گفتمانی فیلم درحقیقت مرکب از این

نکوهش می‌کند و با الفاظی همچون جعلی‌بودن و دال‌های ارزش‌گذارانه (تشخص‌زدایی: میمون) این کردار گفتمانی را طرد کرده و منفی‌سازی می‌کند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در بازنمایی مذکور، قلمرو هنر و هنرمندان نیز در صف منتقدین جراحی زیبایی بینی قرار دارند و این کردار را به‌صورت منفی کدگذاری می‌کنند.

همچنین بخش دیگر فیلم به روایت خود مبادرت‌کنندگان و متقاضیان، به جراحی زیبایی اعم از دختر و پسر جراحی‌شده توجه می‌کند. این گویندگان از سویی این کنش را تأیید کرده و از آن با عنوان «حق» نام برده و پیشنهاد پزشک جراح زیبایی و اطرافیان را پذیرفته و به این عمل اقدام کرده‌اند و از دیگر سو نمی‌خواهند جسارت‌مندانه فردیت این کردار گفتمانی خود را بر عهده بگیرند. برای نمونه در سکانسی از فیلم، عکاسی امریکایی توضیح می‌دهد کسانی که در ایران جراحی بینی کرده‌اند، به‌صورت خنده‌آوری دلیل جراحی بینی خود را شکستگی بینی می‌دانند. ذکایی و فرزانه (۱۳۸۷) در مطالعه خود از این پدیده صحبت کرده و از آن با عنوان مخفی‌کاری و پنهان‌سازی جراحی به‌دلیل عواقب احتمالی بحث کرده‌اند. درحقیقت کنشگرانی که نسبت به این کردار گفتمانی اقدام کرده‌اند، با به‌کارگیری استدلال‌هایی تلاش کرده‌اند عارضه جسمانی را دلیلی بر کنش ترمیمی زیباشناسانه جراحی بینی قلمداد کنند و این‌گونه القا کنند که آنان به جراحی پلاستیک نیاز داشته‌اند و جراحی زیبایی انتخاب آنان نبوده است. در موارد دیگر دو زن جوان که به جراحی زیبایی اقدام کرده‌اند، با نوعی نارضایتی و ندامت از این کردار پیشین خود صحبت می‌کنند و نشانه‌های یأس و ناخرسندی خود را خواه در چهره و خواه در کلام ابراز می‌کنند. ایشان همچنین به‌طور ضمنی خود را به‌دلیل این اعمال شماتت می‌کنند تا حدی که نشانه‌هایی از ندامت (ناشی از این عمل) در کلام و کنش آنان ملاحظه می‌شود. درمجموع می‌توان گفت از بین چهار عامل به جراحی زیبایی، سه نفر در موضع ناخرسندی و گلایه و انتقاد نسبت به این عمل قرار داشتند. یافته‌ها در اینجا با نظریه باومن و باتلر در زمینه سوژه دارای جنسیت مطابقت دارد. باتلر معتقد بود جنسیت، عرصه

بدن، هژمونی جاری و مسلط پیرامون بدن در گفتمان رقیب را که رگه‌هایی از سنت‌گرایی و محافظه‌کاری دارد، به چالش می‌کشند و دال‌های محوری آن را به حاشیه می‌رانند و این‌گونه برای خود، جایگاهی نمادین پدید می‌آورند.

عناصر، مواضع آنان و گفتارهایی است که ساحت نمادین جامعه را پیرامون موضوع بدن و جراحی زیبایی بیان و بازنمایی می‌کند. این بازنمایی نشان می‌دهد عرصه اجتماعی، عرصه‌ای است که در آن متجددان با نمایندگی پزشکان و نسل جوان در چارچوب‌های فردیت‌جویانه، جذابیت و با محوریت

جدول ۲- گفتمان به مثابه کردار اجتماعی

میدان کنش (عمل): بیمارستان، مطب پزشک، اتاق جراحی					
میدان کنترل: نهاد مدرسه، نهاد دین، نهاد حقوقی					
ژانرهای موجود در متن: فیلم مستند، تصاویر آرشیوی از جنگ، تبلیغات شبکه‌های ماهواره‌ای، بیلبردهای سینمایی					
ردیف	گفتمان	نهاد	نماینده گفتمان	حوزه عمل یا میدان کنش	موضع نسبت به جراحی زیبایی
۱	پزشکی	بهداشت و درمان	پزشک، جراح، پرستار، منشی	بیمارستان، اتاق عمل، مطب پزشک	مثبت و تأییدکننده
۲	مذهب	دین	روحانیون، مدرس علوم دینی	حوزه علمیه	منفی و نکوهش‌گر
۳	تعلیم و تربیت	آموزش و پرورش	دانش‌آموزان دختر دبیرستانی	مدرسه	مثبت و تأییدکننده
۴	هنر	فرهنگی	بازیگران، کارگردانان	سینما، آموزشگاه بازیگری	منفی و نکوهش‌گر
۵	مبادرت‌کنندگان و متقاضیان	نسل جوان	نسل و خرده فرهنگ جوانان	گروه‌های همالان، مکان‌های فراغتی	مثبت و تأیید و دیالکتیک اطمینان و تردید، انکار، خوشحالی و یأس، فردیت و بیگانگی، غریبی با خود، نارضایتی (تناقض‌های گفتمانی)

بحث و نتیجه

در عصری که هستی انسان بیش از هر چیز هستی بدنی است (بروتون، ۱۳۹۲: ۱۳) می‌توان گفت بدن مقوله‌ای پرسش‌برانگیز است. همچنین می‌دانیم جراحی زیبایی یکی از مسائل مهم در حوزه پزشکی - فرهنگی و یکی از موضوعات بررسی شده در جامعه‌شناسی بدن است که در جامعه ایرانی در سال‌های اخیر افزایش در خور توجهی یافته است. به اعتقاد پژوهشگران، تحولات چند دهه اخیر جامعه ایران، نوسان‌هایی را در گفتمان تغییر بدن نمایش می‌دهد، به گونه‌ای که فضای انقلابی و گفتمان جنگ که انضباط و کنترل بیشتر بر بدن و سادگی و کارکرد غیرتظاهری آن را مورد تأکید داشت، فاصله زیادی را با گفتمان و ارزش‌های مصرفی و سبک زندگی محور بدن در دهه اخیر نشان می‌دهد (ذکایی، ۱۳۹۳)؛ به بیان دیگر تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تحولات گفتمانی باعث شد در گفتمان

دهه هفتاد و هشتاد (با تفوق گفتمان اصلاح طلبانه) بدن بیش‌ازپیش به عرصه کشمکش گفتمانی بدل شود و گسیختگی‌هایی در ساختار گفتمانی پیشین پدید آید. در این دوران از سویی قوای مقننه و مجریه با معطل گذاشتن بسیاری از قوانین در حوزه بدن و زیر پرسش بردن قوای قهریه، فضای بازتری برای تظاهرات بدنی فراهم کردند و تحولات پساجنگ، بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش رفاه عمومی، تحولاتی در ارزش‌ها و رواج مصرف‌گرایی و تغییرات سبک زندگی گروه‌های اجتماعی پدید آورد (ذکایی و فرزانه، ۱۳۸۷). در این برهه، بدن به عرصه‌ای برای نمایش فردیت‌ها، اعتقادات و ارزش‌های فردی و خصوصی تبدیل شد و جریان نوگرایی بر کنترل و انضباط بدن فردی و حساسیت بیشتر برای ارائه تصویر مطلوب از آن تأثیر گذاشته است، به صورتی که دیگر آرایش و دست‌کاری بدن، نشانه بی‌عفتی و بی‌اخلاقی یا

ایدئولوژیک گفتمان را نمایندگی می‌کند، بر این اساس است که مستندساز تلاش می‌کند گفتمان تجددگرا، بدن و فراغت‌محور نسل جوان را در تقابل با ارزش‌های دینی و مذهبی دههٔ شصت و فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی دفاع مقدس و جنگ تحمیلی قرار دهد. از این رو می‌توان ادعا کرد در بافت و فضای اجتماعی کلان نیز این نزاع نمادین و ارزشی حکم‌فرما است و به‌صورت جدی دنبال می‌شود.

در پایان باید اشاره کرد که در پاره‌ای بررسی‌ها و مطالعات خارجی، این تمایل وجود دارد که روند روزافزون جراحی زیبایی در ایران را به‌منزلهٔ نوعی کنش سیاسی و مقاومت‌گون در برابر ارزش‌های رایج و فرهنگ رسمی نظام سیاسی ایران تفسیر کنند؛ به‌عنوان نمونه استفان برونر^۱ در مجلهٔ آلمانی ماری کلر^۲ که در آگوست ۲۰۰۱ چاپ شد، وضعیت جراحی بینی در ایران را بررسی می‌کند و از این گرایش رو به‌افزایش با عنوان «انقلاب بینی‌های کوچک» نام می‌برد. نویسنده، این پدیدهٔ اجتماعی را از رهگذری سیاسی و نوعی مقاومت، اعتراض و عاملیت در رویارویی با نظام سیاسی حاکمه و با عنوان «اعتراضی خونین» می‌بیند.^۳ وی معتقد است نظام حاکمه، نوعی مخاصمه و ضدیت با بدن دارد و مقررات و تنظیمات سختی را علیه بدن، پوشش و حجاب در عرصهٔ عمومی اعمال می‌کند (Weinmann, 2010:24). می‌دانیم تحلیل گفتمان انتقادی، ایدئولوژیک بودن یک برساخت اجتماعی را بررسی می‌کند. در این مورد خاص نیز می‌توان گفت نگره‌های خارجی بیش از آنکه دلالت‌های جامعه‌شناختی جراحی زیبایی در ایران را امری محلی و جهانی در نظر بگیرند، بدن را سیاسی کرده و سویه‌های سیاسی آن را برجسته می‌کنند، از همین رو وجهی ایدئولوژیک پیدا می‌کند. بر اساس آمار انجمن بین‌المللی جراحان پلاستیک دنیا، تعداد عمل جراحی

مقاومت در برابر هژمونی به شمار نمی‌رفت، بلکه نمادی از فردیت در متن جامعهٔ ایرانی بود (ذکایی و امن‌پور، ۱۳۹۱:۱۳۹؛ آزاد ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱). در مستند «دماغ به سبک ایرانی» که در این مطالعه تحلیل و معناکاوای شد، تحولات گفتمانی پیرامون بدن موضوع بازنمایی قرار گرفته بود.

نتایج این مطالعه نشان داد در گفتمان فیلم، نهادهایی مانند تعلیم و تربیت، دین، پزشکی، هنر عناصر اصلی و محوری هستند و فیلم به‌عنوان متنی گفتمانی، تبلور نزاع گفتمانی و تنازع‌های ارزشی گفتمان‌های مربوط است. روایت این فیلم مستند نشان داد هیچ‌یک از گفتمان‌های مذکور، موقعیت برتر و فرادست را در موضع جراحی زیبایی و تصاحب فضای گفتمانی آن ندارند؛ به بیان دیگر روایت فیلم به‌صورت ضمنی گویای آن است که در زمینه و بافت اجتماعی جامعهٔ ایران به‌دلیل تغییرات به‌وقوع‌پیوسته و موجود، هیچ‌کدام از گفتمان‌های محوری راجع به بدن نمی‌توانند یک‌سره هژمونیک شوند و بر ساحت مذکور تفوق پیدا کنند. این تفسیر بدین معناست که با وجود آنکه وضعیت و نرخ جراحی زیبایی و تنوع آن در کشور، میزان بالا و اقبال روزافزونی را نشان می‌دهد و اقدامات و تقاضاهای فعلی نوعی فردیت‌جویی، تجددگرایی، نمایشی‌شدن و استانداردشدن (و یا ساختن) ایدئال‌های بدنی را نشان می‌دهد؛ از سویی دیگر گفتمان‌هایی نظیر گفتمان دین و بعضاً هنر با تکیه بر ارزش‌های اسلامی انقلابی سعی در به‌حاشیه‌راندن موضوع بدن، محوریت آن و تضعیف گفتمان‌های بدن محور در سطح جامعه و طرد و منفی‌سازی آن دارند.

همچنین می‌دانیم هویت سوژه و هویت گفتمان با تقابل بیرون و درون شکل می‌گیرد. درحقیقت هویت با تخاصم میان گفتمان‌ها و برساخت دیگری به‌عنوان متخاصم پدید می‌آید؛ به دیگر سخن هیچ گفتمانی هرگز نمی‌تواند به‌تنهایی شکل بگیرد و تثبیت شود، مگر آنکه هویت خود را در تقابل با هویت دیگری معنادار کند. این امر نیز در مطالعهٔ مستند به‌وضوح خود را نمایان کرد. آنجا که مستندساز با چینش‌ها و گزینش‌هایی، جنبه‌های خاصی از واقعیت را برجسته می‌کند و سویه‌های دیگری را نادیده می‌انگارد که به‌طور مشخص وجه

^۱ Stefan Brunner

^۲ Marie Claire

^۳ از سوی دیگر کارزاری جدی نیز در شبکه‌های اجتماعی برای نجات انقراض «دماغ آریایی» یا «دماغ ایرانی» به راه افتاده است. کارزاری که شرکت‌کنندگان در آن، عکس‌های خود را با بینی طبیعی‌شان منتشر می‌کنند تا از اوج گرفتن بیشتر مد و تب عمل جراحی بینی بین جوانان و نوجوانان جلوگیری کنند. این پویش خود می‌تواند عاملی در رد فرضیهٔ جراحی زیبایی به‌مثابه مقاومت در ایران باشد.

مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

بروتون، د. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی بدن، ترجمه فکوهی، ن.* تهران: نشر ثالث.

بهار، م. و وکیلی قاضی جهانی، م. (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان جراحی‌های زیبایی صورت»، *مجله پژوهش زنان (زن در توسعه و سیاست)*، دوره ۹، ش ۱، ص ۶۳-۹۲.

جلایی‌پور، ح. ر. و محمدی، ج. (۱۳۸۷). *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، ترجمه و تألیف: تهران: نشر نی*، چاپ اول.

چاوشیان، ح. و آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۱). «بدن به مثابه رسانه هویت»، *جامعه‌شناسی ایران*، ش ۴، ص ۵۷-۷۵. حاجی میری، ف. (۱۳۹۱). *قدرت و بدن، بدن زنانه به مثابه ابژه قدرت، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ*.

حسینی، م. (۱۳۹۲). *تن دال، تحول فرهنگ سیاسی در سینمای پرمخاطب ایران (۱۳۹۰-۱۳۵۷)*، تهران: انتشارات رخداد نو.

دوران، ب. (۱۳۸۷). «سلسله پریچ و تاب نشانه‌ها: نگاهی به مستند «دماغ به سبک ایرانی»»، *سایت انسان‌شناسی و فرهنگ*.

دیویس، ک. (۱۳۹۲). «چرا تفاوت‌ها را نمی‌پذیریم؟»، *ترجمه: دوستار، ر.، مجله اینترنتی زن‌نگار، نشریه پژوهشگران و کنشگران مطالعات زنان*، شماره ۱۳، خردادماه، www.Zannegaar.Net.

ذکایی، م. س. و امن‌پور، ف. (۱۳۹۱). *درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران*، تهران: انتشارات تیسرا، چاپ دوم.

ذکایی، م. س. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی جوانان ایران*، تهران: مؤسسه انتشارات آگه.

ذکایی، م. س. (۱۳۸۶). *فرهنگ مطالعات جوانان*، تهران: مؤسسه انتشارات آگه.

ذکایی، م. س. (۱۳۸۷). «جوانان، بدن و فرهنگ تناسب اندام»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، س ۱، ش ۱، ص ۱۱۷-۱۴۲.

بینی در ایران در سال ۲۰۱۳، ۳۷۴۲۳ مورد (۰/۰۴ درصد جمعیت) بوده است. این در حالی است که تعداد عمل جراحی بینی در آمریکا بیش از ۴۵ هزار مورد (۰/۰۱۴ درصد جمعیت)، برزیل ۷۷ هزار مورد (۰/۰۰۳ درصد جمعیت)، مکزیک ۵۰ هزار مورد و در کشوری همچون آلمان با جمعیتی تقریباً شبیه ایران بیش از ۳۰ هزار عمل جراحی (۰/۰۳۸ درصد جمعیت) بوده است. همچنین در سال ۲۰۱۳ در آمریکا بیش از ۵۱۷ هزار عمل جراحی زیبایی سینه، در برزیل بیش از ۵۱۵ هزار و در آلمان میزان اعجاب‌انگیز ۱۱۳۶۳۱ عمل جراحی زیبایی سینه انجام شده است؛ یعنی تنها در این سال، ۰/۱۴ درصد جامعه آلمان عمل زیبایی سینه انجام داده‌اند که این عدد سه و نیم برابر میزان عمل جراحی سالانه بینی در ایران است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت رویه‌هایی مانند جراحی زیبایی نه در ایران که در سراسر دنیا می‌تواند تابع همگنی‌های فرهنگی، امری فرامحلی، نوعی گرایش عام به سمت استانداردهای ظاهری بدن و تابع مقوله جهانی شدن و هویت‌یابی جهانی باشد.

منابع

آزاد ارمکی، ت. و غراب، ن. (۱۳۸۷). «بدن و هویت»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۴، ش ۱۳، ص ۱۰۱-۱۲۲.

احمدنیا، ش. (۱۳۸۵). «جامعه‌شناسی بدن و بدن زنان»، *فصلنامه زنان*، ش ۵، ص ۲۱-۲۳.

اخوت، ا. (۱۳۸۸). *دو بدن شاه، تأملاتی درباره نشانه‌شناسی بدن و قدرت*، تهران: نشر خجسته.

اکو، ا. (۱۳۹۰). *تاریخ زیبایی، ترجمه و گزینش: بینا، ه.* تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.

البرو، م. (۱۳۸۰). *مقدمات جامعه‌شناسی، ترجمه: صبوری، م.* تهران: نی.

بارکر، ک. (۱۳۸۷). *مطالعات فرهنگی، نظریه و عملکرد*، ترجمه: فرجی، م. و حمیدی، ن.، پژوهشگاه

فرقانی، م. م. و اکبرزاده، ج. (۱۳۹۰). «ارائه مدلی برای تحلیل گفتمان انتقادی فیلم»، *مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات*، س ۱۲، ش ۱۶، ص ۱۲۹-۱۵۷.

فرکلاف، ن. (۱۳۸۷). *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه: گروه مترجمان، ج ۲، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

فرکلاف، ن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، مترجمان: شایسته پیران و همکاران، تهران: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های رسانه‌ها.

فکوهی، ن. (۱۳۸۶). *این دماغ لعنتی؛ نگاهی به فیلم مستند دماغ به سبک ایرانی*، سایت *انسان‌شناسی و فرهنگ*.

قبادی، ح. و آقاگل‌زاده، ف. (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور»، *فصلنامه نقدادبی*، س ۲، ش ۶، ص ۱۴۳-۱۸۹.

کاشی، م. ج.؛ هلالی، غ. و ستوده، م. (۱۳۹۲). «واکاوی گفتمان نظارت بر تن زنانه در ایران پس از انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۹، ش ۳۲، ص ۷۵-۹۸.

گلشنی، م. (۱۳۸۹). «جراحی زیبایی در ایران سالانه ۳۰ درصد افزایش می‌یابد»، *روزنامه خبر*، ش ۸۴۳۱. گین، ن. (۱۳۹۲). *آینده نظریه اجتماعی*، ترجمه: مهدی‌زاده، م.، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.

مهدی‌فر، ح. (۱۳۸۱). *حیات معقول از دیدگاه علامه محمدتقی جعفری (با تأکید بر تفسیر نهج‌البلاغه)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم.

هیز، ک. و جونز، م. (۱۳۹۲). «جراحی زیبایی در عصر جنسیت»، ترجمه: پرنیان، ح.، *مجله اینترنتی زن‌نگار نشریه پژوهشگران و کنشگران مطالعات زنان*، ش ۱۳، خردادماه، www.Zannegaar.Net.

یارمحمدی، ل. (۱۳۸۰). «واژگان هسته‌ای و غیرهسته‌ای در واژه‌شناسی مقابله‌ای: تجزیه و تحلیل گفتمانی

ذکایی، م. س. و فرزانه، ح. (۱۳۸۷). «زنان و فرهنگ بدن»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۴، ش ۱۱، ص ۴۵-۶۱.

رضایی، ا. و اینانلو، م. (۱۳۸۹). «مدیریت بدن و ارتباط آن با عوامل اجتماعی در بین دختران دانشگاه مازندران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، س ۱۲، ش ۴۷، ص ۱۴۱-۱۷۰.

رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۲). *آنانومی جامعه*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

زائررضایی، ه. (۱۳۸۵). «هفتم در جهان، سوم درخاورمیانه»، *سایت روزنامه سلامت*.

زاهدی‌فر، پ. (۱۳۸۸). *واکاوی علل اقدام به اعمال جراحی زیبایی*، بیست و یکم مهرماه ۸۸ گزارش نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران.

سلطانی، م. (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمانی فیلم‌های سیاسی-اجتماعی: نگاهی به فیلم پارتی سامان مقدم»، *فصلنامه انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۳، ش ۹، ص ۱-۱۶.

سیارپور، ف. (۱۳۹۲). *دماغ به سبک ایرانی*، سایت *اینترنتی مجله هفته*.

صادقی‌فسائی، س. و نیکخواه قمصری، ن. (۱۳۹۱). «زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی»، *فصلنامه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۴، ش ۲، ص ۲۴-۵۰.

علوی، ا. (۱۳۹۲). *بازنمایی سبک زندگی مردم ایران در مستند تابستان مادر تهران*، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

علیخواه، ف. (۱۳۸۷). *گفت و گو با روزنامه اعتماد ملی*، ۱۳۸۷/۱/۱۹.

فاتحی، ا. و اخلاصی، ا. (۱۳۸۹). «گفتمان جامعه‌شناسی بدن و نقد آن بر مبنای نظریه حیات معقول و جهان‌بینی اسلامی»، *مجله معرفت فرهنگی*، س ۱، ش ۲، ص ۵۷-۸۲.

- University Press.
- Hall, S. (1992) *The question of cultural identity*. In S. Hall, D. Held, & T. McGrew (Eds.), *Modernity and its futures* (pp. 273-326). Cambridge: Polity Press
- Jones, M. (2009) "Makeover Culture's Dark Side: Breasts, Death and Lolo Ferrari". *Body Society*, 14(1):89-104.
- Jones, M. (2008a) "Makeover Culture's Dark Side: Breasts, Death and Lolo Ferrari". *Body & Society*, 14(1): 89-104.
- Kress, G. & Van Leeuwen, T. (2006) *Reading images: The grammar of visual design* (2nd Ed.). London: Routledge
- Leiss, W. Keline, S. and Jhally, S. (1986) *Social communcation in advertising person's product and image of sell being*, London, Methuen.
- Negrin, L. (2008) *Appearance and identity: Fashioning the body in postmodernity*. New York: Palgrave Macmillan
- Shilling, C. (2003) *The body and social theory* (2nd Ed.). London: Sage.
- Shilling, Ch. (2003) *Body and Social Theory*, London: Sage Publication
- Van Dijk, T. (2001) *Principal of Critial Discourse Analysis*, in Michael Toolan, ed, *Critical Discourse Analysis*, volume2, Routhledge , London and New York, First Published , PP . 104 – 143
- Weinmann, M. (2010) *Operation Beauty: Discourses of Cosmetic Surgery in Popular women's Magazines in Australia, Germany and Japan, A Thesis Submitted in fulfillment of the requirements for the degree of Coctor of Philosophy*, Scholl of Education Design and Social Context Portfolio RMIT University July 2010.
- Wodak, R. & Weiss, G. (2003) *Critical Discourse Analysis Theory and Interdisciplinarity*, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Wodak, R. Meyer, M. (2001) *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: SAGE Publications.
- Wodak, R. (1997) *Gender and Discourse*. London: Sage.
- انتقادی و ترجمه ادبی، مجموعه مقالات نخستین همایش ترجمه ادبی در ایران، مشهد: نشر بنفشه، ص ۳۲۹-۳۲۳.
- یزدخواستی، ب؛ بابایی، ج. و دشتی، ز. (۱۳۹۱). «بدن / کار؛ نشانه‌گذاری بدن زنانه در محیط کار»، *فصلنامه مطالعات زنان*، س ۱۰، ش ۳، ص ۳۸-۷.
- یورگنسن، م. و فیلیپس، ل. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه: جلیلی، ه.، تهران: نشر نی.
- Amalia Mustika Nur (2014) *Cosmetic Surgery As A Feminine Practice In The Film 200 Pounds Beauty*, State University Of Malang, Faculty Of Letters English Department, May
- Bauman, Zygmunt. Lyon, David (2013) *Liquid Surveillance: A Conversation* Publisher: Polity
- Bauman, Z. (2003) *Liquid love: On the frailty of human bonds*. Cambridge: Polity Press.
- Bauman, Z. (2005) *Liquid Life*. Cambridge: Polity Press.
- Bauman, Z. (2000) *Liquid modernity*. Cambridge: Polity Press.
- Bordo, S. (1995) *Unbearable weight: Feminism, Western Culture and the Body*. Barekley, CA, Los Angeles, and London: University of California Press
- Douglas, M. (1970) *Natural Symbols: explorations in cosmology*, London. Barrie and Rackliff, the Cresset Press,
- Douglas, M. (1996) *Purity and danger: an analysis of concepts of pollution and taboo*, London: Routledge
- Douglas, M. (1997) "The two worlds", in *Natural Symbols*, London: Routledge
- Fairclough, N. (1992) *Discours and Social Change*, Polity Press, London.
- Featherstone, M. (1987) "Lifestyle and Consumer Culture": *Theory, Culture and Society*
- Fraser, S. (2003) *Cosmetic surgery, gender and culture*. New York: Palgrave Macmillan.
- Haiken, E. (1997) *Venus envy: A history of cosmetic surgery*. Baltimore: The John Hopkins